

DRAFT



پیشنویس



موضوع پژوهش:

بررسی اندیشه‌ها، نظریات و آثار دکتر اسماعیل
نوری‌علا در زمینه سکولاریسم، سکولار
دموکراسی، گذار سیاسی و آینده ایران

اسماعیل نوری‌علا و جستجوی ایران، برای سکولار دموکراسی

ویراستار و پژوهشگر: مرتضی نوری



اسماعیل نوری علا و جستجوی ریشه، برای سکولار دموکراسی

ویروستار و پژوهشگر: مرتضی نوری

موضوع پژوهش:

بررسی اندیشه‌ها، نظریات و آثار دکتر اسماعیل نوری علا در زمینه سکولاریسم، سکولار دموکراسی، گذار سیاسی و آینده ایران

خلاصه اجرایی

این کتاب پژوهشی تلاشی است برای بررسی و تحلیل بیش از چهار دهه فعالیت فکری، فرهنگی و سیاسی دکتر اسماعیل نوری علا؛ نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و نظریه‌پرداز ایرانی که بخش مهمی از زندگی فکری خود را صرف تبیین مفهوم سکولاریسم و سکولار دموکراسی برای جامعه ایران کرده است.

کتاب حاضر نه زندگی‌نامه نویسنده است و نه مجموعه‌ای از مقالات او. هدف اصلی آن استخراج، دسته‌بندی و تحلیل نظام‌مند اندیشه‌هایی است که در صدها مقاله، سخنرانی، مصاحبه، ویدئو و نوشته‌های منتشرشده توسط نوری علا در طول سالیان شکل گرفته‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه تجربه تاریخی حکومت دینی در ایران، شکست پروژه اسلام سیاسی، رشد آگاهی شهروندی و تحولات جهانی، زمینه ظهور گفتمان سکولار دموکراسی را در ایران فراهم کرده است.

کتاب همچنین می‌کوشد نشان دهد که مبارزه برای جدایی دین از حکومت در ایران پدیده‌ای تازه نیست، بلکه ریشه در تجربه‌های تاریخی چندین نسل از روشنفکران، اصلاح‌طلبان، مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان ایرانی دارد.

در این میان، آثار اسماعیل نوری علا به عنوان یکی از منسجم‌ترین تلاش‌ها برای تبدیل این تجربه تاریخی به یک نظریه سیاسی مدرن مورد بررسی قرار می‌گیرد.



در جستجوی آزادی؛ نگاهی به اندیشه‌های اسماعیل نوری‌علا

تاریخ ملت‌ها تنها در میدان‌های جنگ، کاخ‌های پادشاهان یا ساختمان‌های حکومت‌ها نوشته نمی‌شود. در پس رویدادهای سیاسی، انقلاب‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها، همواره اندیشه‌هایی حضور دارند که مسیر حرکت جوامع را شکل می‌دهند. گاه این اندیشه‌ها در قالب کتاب و مقاله ظاهر می‌شوند، گاه در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها، و گاه در ذهن و زبان نسلی که در جستجوی آینده‌ای متفاوت است. اگر تاریخ را روایت آنچه رخ داده بدانیم، اندیشه را باید روایت آنچه ممکن است رخ دهد تلقی کنیم.

این کتاب درباره یکی از همین جریان‌های فکری است؛ جریانی که طی چند دهه گذشته در میان بخشی از روشنفکران و فعالان سیاسی ایرانی شکل گرفته و کوشیده است پاسخی برای یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های تاریخ معاصر ایران بیابد: چگونه می‌توان به حکومتی دست یافت که هم آزادی را تضمین کند، هم قانون را محترم بشمارد، هم حقوق شهروندان را پاس بدارد و هم از گرفتار شدن در چرخه‌های استبداد سیاسی و ایدئولوژیک جلوگیری کند؟

در میان اندیشمندیانی که به این پرسش پرداخته‌اند، نام دکتر اسماعیل نوری‌علا جایگاه ویژه‌ای دارد. او در طول بیش از چهار دهه فعالیت فکری، ادبی، فرهنگی و سیاسی، کوشیده است مفاهیمی چون سکولاریسم، سکولار دموکراسی، حکومت قانون، هویت ملی، گذار سیاسی و آینده ایران را از زوایای مختلف بررسی کند. حاصل این تلاش، صدها مقاله، ده‌ها کتاب، صدها برنامه ویدیویی، سخنرانی و گفت‌وگو است که در مجموع مجموعه‌ای کم‌نظیر از تأملات نظری درباره آینده ایران را تشکیل می‌دهد.

این کتاب تلاشی است برای مطالعه، دسته‌بندی و تحلیل این میراث فکری. هدف آن دفاع بی‌چون و چرا از همه دیدگاه‌های مطرح‌شده در آثار نوری‌علا نیست، همان‌گونه که هدف آن نقد و داوری سیاسی نیز نیست. مقصود اصلی آن است که خواننده بتواند با یک منظومه فکری منسجم آشنا شود؛ منظومه‌ای که در طول سالیان شکل گرفته، تحول یافته و همواره در تعامل با رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران بوده است.

یکی از ویژگی‌های مهم اندیشه نوری‌علا آن است که از یک تجربه تاریخی مشخص آغاز می‌شود: تجربه حکومت دینی در ایران. انقلاب ۱۳۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی نه تنها ساختار سیاسی کشور را تغییر داد، بلکه پرسش‌های تازه‌ای را نیز در برابر جامعه ایران قرار داد. رابطه دین و حکومت چیست؟ آیا حکومت می‌تواند نماینده یک عقیده مذهبی باشد؟ حقوق شهروندی که به آن عقیده باور ندارند چه می‌شود؟ آیا آزادی و حکومت ایدئولوژیک می‌توانند همزمان وجود داشته باشند؟ و سرانجام، اگر پاسخ منفی است، جایگزین آن چیست؟

پاسخ‌هایی که نوری‌علا در طول سالیان به این پرسش‌ها داده است، به تدریج از نقد اسلام سیاسی فراتر رفته و به سوی ارائه یک نظریه سیاسی برای آینده ایران حرکت کرده است. در این مسیر، مفاهیمی چون «سکولاریسم نو»، «سکولار دموکراسی»، «آلترناتیو سیاسی»، «گذار»، «حاکمیت ملت» و «قانون اساسی سکولار» به عناصر اصلی اندیشه او تبدیل شده‌اند.

اما این کتاب تنها درباره یک فرد نیست. در حقیقت، آثار نوری‌علا بهانه‌ای هستند برای مطالعه یکی از مهم‌ترین تحولات فکری جامعه ایران در نیم قرن گذشته؛ تحولی که در آن بسیاری از ایرانیان، صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی خود، به این نتیجه رسیده‌اند که آزادی پایدار بدون حکومت قانون، و حکومت قانون بدون جدایی نهاد قدرت از ایدئولوژی، امکان‌پذیر نیست.



از این رو، کتاب حاضر را می‌توان هم پژوهشی درباره اسماعیل نوری‌علا دانست و هم پژوهشی درباره تحول گفتمان سکولار دموکراسی در ایران معاصر. در این صفحات، خواننده نه تنها با زندگی فکری و نظریات او آشنا خواهد شد، بلکه سیر شکل‌گیری ایده‌هایی را نیز دنبال خواهد کرد که امروزه بخش مهمی از ادبیات سیاسی اپوزیسیون ایران را تشکیل می‌دهند.

این کتاب بر پایه مطالعه آثار منتشرشده، مقالات، مجموعه «جمعه‌گردی‌ها»، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و برنامه‌های تصویری دکتر نوری‌علا تدوین شده است. در بسیاری از موارد، تلاش شده است که دیدگاه‌های او مستقیماً از دل نوشته‌ها و گفته‌هایش استخراج شود تا تصویری هرچه دقیق‌تر از اندیشه او ارائه گردد. به همین دلیل، خواننده در این اثر با بازنویسی یا خلاصه‌ای از آثار او مواجه نیست، بلکه با کوششی پژوهشی برای فهم و تبیین نظام فکری او روبه‌رو خواهد شد.

در نهایت، این کتاب بر این فرض استوار است که تاریخ آینده ایران تنها در خیابان‌ها، صندوق‌های رأی یا نهادهای سیاسی شکل نخواهد گرفت؛ بلکه پیش از آن در قلمرو اندیشه و گفت‌وگو شکل می‌گیرد. شناخت اندیشه کسانی که سال‌ها درباره آزادی، سکولاریسم، دموکراسی و آینده ایران اندیشیده‌اند، بخشی از همین گفت‌وگوی ملی است.

اگر این کتاب بتواند سهم کوچکی در فهم بهتر این گفت‌وگو و روشن‌تر شدن مسیر آینده ایران داشته باشد، به هدف خود دست یافته است.



فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

در جستجوی آزادی؛ نگاهی به اندیشه‌های اسماعیل نوری‌علا

بخش نخست

شکل‌گیری یک اندیشه

فصل اول

اسماعیل نوری‌علا؛ از شاعر و روشنفکر تا نظریه‌پرداز سیاسی

هر اندیشه سیاسی ریشه در تجربه‌های انسانی و تاریخی صاحب آن دارد. اسماعیل نوری‌علا نیز پیش از آنکه به عنوان نظریه‌پرداز سکولار دموکراسی شناخته شود، شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و روزنامه‌نگاری بود که تحولات ایران معاصر را از نزدیک تجربه کرد. شناخت این مسیر برای فهم آثار بعدی او ضروری است.

این فصل به زندگی فکری نوری‌علا، تأثیر انقلاب ۱۳۵۷ بر جهان‌بینی او و روندی که او را از حوزه فرهنگ و ادبیات به عرصه اندیشه سیاسی رساند می‌پردازد. هدف آن است که خواننده با زمینه‌های شکل‌گیری نظام فکری او آشنا شود.

فصل دوم

ایران، تاریخ و مسئله آزادی

یکی از ویژگی‌های آثار نوری‌علا نگاه تاریخی او به مسئله آزادی است. او آزادی را صرفاً یک خواسته سیاسی معاصر نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از یک کشمکش تاریخی طولانی در جامعه ایران تلقی می‌کند.

در این فصل بررسی خواهد شد که چگونه او تاریخ ایران را به عنوان صحنه‌ای از رقابت میان اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و خواست آزادی تحلیل می‌کند و چگونه این برداشت تاریخی بر نظریات سیاسی او اثر گذاشته است.

فصل سوم

ملت ایران و هویت ملی

در بخش مهمی از آثار نوری‌علا، مفهوم ملت ایران جایگاه محوری دارد. او معتقد است که هویت ملی ایران فراتر از قومیت، مذهب و گرایش‌های سیاسی قرار دارد و ریشه در تجربه تاریخی مشترک ایرانیان دارد.



بخش دوم

نقد اسلام سیاسی

فصل چهارم

اسلام سیاسی؛ از نظریه تا تجربه

نوری علا معتقد است که یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران، تبدیل اسلام سیاسی از یک نظریه به یک نظام حکومتی بوده است. جمهوری اسلامی فرصتی تاریخی فراهم کرد تا پیامدهای عملی این نظریه در عرصه حکومت آشکار شود. در این فصل، مفهوم اسلام سیاسی، ریشه‌های آن و نتایج حاصل از استقرار حکومت دینی در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل پنجم

جمهوری اسلامی؛ آزمون حکومت ایدئولوژیک

از نگاه نوری علا، جمهوری اسلامی صرفاً یک حکومت مذهبی نیست، بلکه نمونه‌ای از حکومت ایدئولوژیک است که در آن قدرت سیاسی بر پایه حقیقتی از پیش تعیین‌شده سازمان یافته است. این فصل به تحلیل ساختار فکری و سیاسی جمهوری اسلامی و تأثیر آن بر جامعه، فرهنگ، اقتصاد و آینده ایران اختصاص دارد.

فصل ششم

چرا حکومت دینی شکست می‌خورد؟

در آثار نوری علا بارها این پرسش مطرح شده است که چرا حکومت‌های ایدئولوژیک، صرف‌نظر از نیت بنیان‌گذاران خود، به محدود کردن آزادی و تمرکز قدرت گرایش پیدا می‌کنند. این فصل به بررسی دلایل نظری و تاریخی این مسئله و مقایسه تجربه ایران با نمونه‌های مشابه در جهان می‌پردازد.

بخش سوم

سکولاریسم نو

فصل هفتم

سکولاریسم؛ مفهوم و سوءتفاهم‌ها

واژه سکولاریسم در جامعه ایران همواره با سوءبرداشت‌ها و برداشت‌های متناقض همراه بوده است. نوری علا بخش مهمی از فعالیت فکری خود را صرف توضیح این مفهوم کرده است.



این فصل به تعریف سکولاریسم، تفاوت آن با دین‌ستیزی و نقش آن در جوامع مدرن می‌پردازد.

فصل هشتم

سکولاریسم نو

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظری نوری علا طرح مفهوم «سکولاریسم نو» است. او تلاش کرده است این مفهوم را با شرایط تاریخی و فرهنگی ایران تطبیق دهد.

این فصل بنیان‌های نظری این اندیشه و تفاوت آن با برداشت‌های کلاسیک از سکولاریسم را بررسی می‌کند.

فصل نهم

آزادی وجدان و برابری شهروندی

در مرکز نظریه سکولاریسم نو، انسان و حقوق فردی او قرار دارد. هیچ شهروندی نباید به دلیل باور یا ناباوری مذهبی از حقوق سیاسی و مدنی محروم شود.

این فصل رابطه میان آزادی وجدان، آزادی عقیده و برابری شهروندی را از منظر نوری علا تحلیل می‌کند.

بخش چهارم

سکولار دموکراسی؛ نظریه‌ای برای آینده ایران

فصل دهم

از سکولاریسم تا سکولار دموکراسی

نوری علا به تدریج از نقد حکومت دینی فراتر رفت و به این پرسش رسید که جایگزین مطلوب آن چیست. پاسخ او سکولار دموکراسی بود.

این فصل روند تحول فکری او از سکولاریسم نو به نظریه سکولار دموکراسی را بررسی می‌کند.

فصل یازدهم

حقوق بشر و حکومت قانون

سکولار دموکراسی بدون حقوق بشر و حاکمیت قانون معنایی ندارد. این دو مفهوم ستون‌های اصلی نظام سیاسی مورد نظر نوری علا هستند.

در این فصل جایگاه حقوق بشر، استقلال قوه قضائیه و برابری در برابر قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد.



فصل دوازدهم

جمهوری یا پادشاهی؟

یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات اپوزیسیون ایران، شکل حکومت آینده است. نوری‌علا کوشیده است این بحث را از سطح منازعات سیاسی به سطح اصول دموکراتیک منتقل کند.

این فصل دیدگاه او درباره رابطه میان سکولار دموکراسی و اشکال مختلف حکومت را بررسی خواهد کرد.

بخش پنجم

گذار و آینده ایران

فصل سیزدهم

بحران اپوزیسیون و مسئله رهبری

در دهه‌های اخیر، نوری‌علا بارها به مسئله پراکندگی اپوزیسیون و فقدان رهبری مؤثر پرداخته است.

این فصل مهم‌ترین دیدگاه‌های او درباره همکاری سیاسی، اتحاد نیروهای دموکرات و نقش شخصیت‌های ملی را تحلیل می‌کند.

فصل چهاردهم

آلترناتیو سیاسی و دوران گذار

فروپاشی یک نظام سیاسی به تنهایی به آزادی منجر نمی‌شود. به همین دلیل، نوری‌علا بر ضرورت برنامه‌ریزی برای دوران گذار تأکید کرده است.

این فصل به بررسی نظریات او درباره دولت موقت، قانون اساسی انتقالی و الزامات یک گذار موفق می‌پردازد.

فصل پانزدهم

ایران پس از اسلام سیاسی

بخش بزرگی از آثار سال‌های اخیر نوری‌علا به آینده اختصاص دارد. او معتقد است که پایان اسلام سیاسی نه تنها برای ایران بلکه برای کل منطقه خاورمیانه اهمیت تاریخی خواهد داشت.

این فصل چشم‌انداز او از آینده ایران، جایگاه کشور در منطقه و فرصت‌های پیش روی نسل‌های آینده را بررسی می‌کند.

نتیجه‌گیری



میراث فکری اسماعیل نوری‌علا و آینده سکولار دموکراسی در ایران

این فصل پایانی جمع‌بندی اندیشه‌های مطرح‌شده در کتاب است. در این بخش تلاش می‌شود جایگاه فکری اسماعیل نوری‌علا در میان روشنفکران معاصر ایران و تأثیر احتمالی آثار او بر آینده تحولات سیاسی کشور ارزیابی شود. همچنین این پرسش مطرح خواهد شد که آیا سکولار دموکراسی می‌تواند به عنوان نقطه تلاقی آزادی، قانون، هویت ملی و توسعه در ایران آینده عمل کند یا خیر.

بخش نخست

شکل‌گیری یک اندیشه

هر اندیشه سیاسی حاصل یک لحظه ناگهانی نیست. نظریه‌ها در خلأ متولد نمی‌شوند و دیدگاه‌های فکری در یک روز شکل نمی‌گیرند. پشت هر نظام فکری، سال‌ها تجربه، مطالعه، مشاهده، تأمل و گاه شکست و سرخوردگی نهفته است. به همین دلیل، برای فهم نظریات سیاسی یک متفکر، باید ابتدا مسیر شکل‌گیری آن اندیشه را شناخت.

اسماعیل نوری‌علا نیز از این قاعده مستثنی نیست. او فعالیت فکری خود را نه به عنوان یک سیاستمدار بلکه به عنوان شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و منتقد فرهنگی آغاز کرد. سال‌ها پیش از آنکه واژه‌هایی چون «سکولاریسم نو» یا «سکولار دموکراسی» در نوشته‌های او ظاهر شوند، دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی در آثارش حضور داشتند. همین دغدغه‌ها بعدها در برخورد با تحولات سیاسی ایران، به ویژه انقلاب ۱۳۵۷ و تجربه جمهوری اسلامی، به پرسش‌هایی بنیادین درباره آزادی، حکومت و آینده ایران تبدیل شدند.

در این بخش تلاش خواهیم کرد تا سیر تحول فکری نوری‌علا را بررسی کنیم؛ از سال‌های نخست فعالیت ادبی و فرهنگی تا دوران مهاجرت و شکل‌گیری اندیشه سیاسی او. همچنین خواهیم دید که چگونه مفاهیمی چون ملت ایران، هویت ملی، آزادی و قانون به تدریج به محورهای اصلی آثار او تبدیل شدند.

فهم این مسیر برای مطالعه فصل‌های بعدی ضروری است؛ زیرا بدون شناخت ریشه‌های فکری نوری‌علا، درک نظریه‌های او درباره سکولاریسم، سکولار دموکراسی و آینده ایران دشوار خواهد بود.



اسماعیل نوری‌علا؛ از شاعر و روشنفکر تا نظریه‌پرداز سیاسی

بسیاری از متفکران سیاسی جهان فعالیت خود را از حوزه سیاست آغاز کرده‌اند، اما در مورد اسماعیل نوری‌علا مسیر متفاوتی را مشاهده می‌کنیم. او نخست در عرصه ادبیات، شعر و نقد فرهنگی شناخته شد و سپس به تدریج به مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخت. این ویژگی سبب شده است که زبان و شیوه استدلال او با بسیاری از فعالان سیاسی تفاوت داشته باشد. در آثار او، سیاست اغلب از دریچه فرهنگ، تاریخ و هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد و کمتر می‌توان نگاه صرفاً حزبی یا ایدئولوژیک را مشاهده کرد.

نوری‌علا متعلق به نسلی است که سه دوره مهم تاریخ معاصر ایران را تجربه کرده است: دوران پهلوی، انقلاب ۱۳۵۷ و جمهوری اسلامی. هر یک از این دوره‌ها تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری جهان‌بینی او گذاشته‌اند. او نه تنها شاهد تغییر حکومت‌ها، بلکه شاهد تغییر آرزوها، امیدها و سرخوردگی‌های چند نسل از ایرانیان بوده است. همین تجربه تاریخی به آثار او عمق و گستردگی ویژه‌ای بخشیده است.

در بررسی اندیشه‌های نوری‌علا، باید میان دو دوره متمایز تمایز قائل شد. دوره نخست، دوره‌ای است که تمرکز اصلی او بر مسائل فرهنگی، ادبی و هویتی قرار دارد. در این دوره، آثار او بیشتر به بررسی جایگاه فرهنگ ایرانی، زبان فارسی، ادبیات و نقش روشنفکران در جامعه اختصاص دارد. هرچند در همین آثار نیز می‌توان نشانه‌هایی از دغدغه‌های سیاسی آینده او را مشاهده کرد.

دوره دوم، پس از انقلاب ۱۳۵۷ آغاز می‌شود. تجربه حکومت دینی و پیامدهای آن، بسیاری از روشنفکران ایرانی را وادار کرد تا در باورهای پیشین خود تجدیدنظر کنند. نوری‌علا نیز از این قاعده مستثنی نبود. او به تدریج به این نتیجه رسید که مسئله اصلی ایران نه صرفاً توسعه اقتصادی، نه صرفاً استقلال سیاسی و نه حتی صرفاً آزادی‌های مدنی، بلکه رابطه میان قدرت و ایدئولوژی است.

این نتیجه‌گیری، نقطه آغاز ورود او به مباحث سکولاریسم بود. در دهه‌های بعد، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های فکری او به توضیح این موضوع اختصاص یافت که چرا آزادی پایدار بدون جدایی نهاد قدرت از ایدئولوژی امکان‌پذیر نیست. در همین مسیر بود که مفاهیمی چون سکولاریسم نو، سکولار دموکراسی و گذار سیاسی به تدریج وارد ادبیات او شدند.

یکی از ویژگی‌های مهم آثار نوری‌علا آن است که کمتر به ارائه نسخه‌های فوری و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت علاقه نشان می‌دهد. او معمولاً مسائل سیاسی را در چارچوبی تاریخی و تمدنی تحلیل می‌کند. از نگاه او، بسیاری از بحران‌های امروز ایران ریشه‌هایی عمیق در تاریخ سیاسی و فرهنگی کشور دارند و به همین دلیل، راه‌حل آنها نیز باید از همین عمق تاریخی برخوردار باشد.

به همین دلیل است که مطالعه آثار او صرفاً مطالعه دیدگاه‌های یک فعال سیاسی نیست؛ بلکه مطالعه تلاش یک روشنفکر برای یافتن پاسخ به پرسش‌هایی است که چند نسل از ایرانیان با آنها روبه‌رو بوده‌اند: چگونه می‌توان آزاد بود؟ چگونه می‌توان قانون را بر قدرت حاکم کرد؟ چگونه می‌توان کشوری ساخت که در آن شهروندان، فارغ از مذهب و عقیده، از حقوق برابر برخوردار باشند؟

پاسخ‌هایی که نوری‌علا در طول دهه‌ها برای این پرسش‌ها جستجو کرده است، موضوع اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد.



اگر بخواهیم یک نخ نامرئی را در سراسر تاریخ ایران دنبال کنیم، شاید هیچ موضوعی به اندازه رابطه میان قدرت و آزادی تکرار نشده باشد. حکومت‌ها آمده‌اند و رفته‌اند، سلسله‌ها تغییر کرده‌اند، مذاهب و ایدئولوژی‌ها جای یکدیگر را گرفته‌اند، اما پرسش اصلی همچنان باقی مانده است: چگونه می‌توان قدرت را مهار کرد تا آزادی انسان محفوظ بماند؟

این پرسشی است که در لایه‌های مختلف آثار اسماعیل نوری علا بارها و بارها ظاهر می‌شود. هرچند او در بسیاری از نوشته‌های خود مستقیماً درباره سکولاریسم، سکولار دموکراسی یا جمهوری اسلامی سخن می‌گوید، اما در زیر همه این مباحث یک دغدغه عمیق‌تر نهفته است؛ دغدغه‌ای که به جای یک حکومت خاص، به ماهیت قدرت سیاسی در تاریخ ایران می‌پردازد.

از نگاه نوری علا، مسئله آزادی در ایران را نمی‌توان تنها در چارچوب رویدادهای معاصر بررسی کرد. او بارها در مقالات و سخنرانی‌های خود تأکید کرده است که بسیاری از بحران‌های امروز ایران ریشه‌هایی تاریخی دارند و بدون شناخت این ریشه‌ها نمی‌توان برای آینده راه‌حلی پایدار یافت.

به همین دلیل، برخلاف بسیاری از فعالان سیاسی که بحث خود را از انقلاب ۱۳۵۷ یا جمهوری اسلامی آغاز می‌کنند، نوری علا اغلب نگاه خود را به قرن‌های دورتر معطوف می‌سازد. در نوشته‌های او، تاریخ ایران نه مجموعه‌ای از سلسله‌ها و جنگ‌ها، بلکه میدان کشمکش میان سه نیروی عمده است: قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و جامعه.

در این روایت، آزادی همواره در نقطه تلاقی این سه نیرو قرار گرفته است.

هرگاه قدرت سیاسی کوشیده است همه عرصه‌های زندگی را تحت کنترل خود درآورد، آزادی محدود شده است. هرگاه قدرت مذهبی در ساختار حکومت ادغام شده، آزادی اندیشه آسیب دیده است. و هرگاه جامعه از ابزارهای دفاع از حقوق خود محروم شده، استبداد گسترش یافته است.

اما در مقابل، در هر دوره تاریخی نیز نیروهایی وجود داشته‌اند که برای محدود کردن قدرت تلاش کرده‌اند. گاه این نیروها در قالب دیوانسالاران اصلاح طلب ظاهر شده‌اند، گاه در هیئت شاعران و نویسندگان، گاه در قامت روشنفکران و گاه در قالب جنبش‌های اجتماعی و سیاسی.

یکی از نکات جالب در آثار نوری علا آن است که او آزادی را صرفاً یک مفهوم غربی یا مدرن نمی‌داند. به باور او، آرزوی آزادی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و می‌توان نشانه‌های آن را در بخش‌های مختلف تاریخ کشور مشاهده کرد. از مقاومت فرهنگی فردوسی در برابر فراموشی هویت ایرانی گرفته تا تلاش قائم مقام، امیرکبیر، مستشارالدوله و مشروطه‌خواهان برای ایجاد حکومت قانون، همه بخشی از یک روند تاریخی بزرگ‌تر هستند.

در این نگاه، مشروطه تنها یک انقلاب سیاسی نیست؛ بلکه نقطه اوج چند قرن تلاش برای محدود کردن قدرت خودکامه است. برای نخستین بار در تاریخ ایران، این اندیشه به صورت رسمی مطرح شد که حکومت باید در برابر قانون پاسخگو باشد و هیچ فرد یا نهادی نباید فراتر از قانون قرار گیرد.



با این حال، نوری‌علا معتقد است که پروژه مشروطه هرگز به طور کامل تحقق نیافت. نیروهای سنتی، مداخلات خارجی، ضعف نهادهای مدنی و استمرار فرهنگ سیاسی استبدادی موجب شدند که بسیاری از آرمان‌های مشروطه ناتمام بمانند.

به باور او، بخش بزرگی از تاریخ معاصر ایران را می‌توان تلاش‌های پی‌درپی برای تکمیل همین پروژه ناتمام دانست.

از این منظر، حتی انقلاب ۱۳۵۷ نیز بخشی از همین جستجوی تاریخی برای آزادی بود؛ هرچند نتیجه آن با آرمان‌های اولیه بسیاری از شرکت‌کنندگان در انقلاب تفاوت پیدا کرد. مردمی که به خیابان آمدند، خواهان آزادی و عدالت بودند، اما ساختار سیاسی که پس از انقلاب شکل گرفت، به تدریج به تمرکز جدیدی از قدرت انجامید.

اینجاست که یکی از مهم‌ترین نقدهای نوری‌علا مطرح می‌شود.

او معتقد است که بسیاری از جنبش‌های سیاسی ایران بر تغییر حاکمان تمرکز کرده‌اند، اما کمتر به تغییر ساختار قدرت پرداخته‌اند. در نتیجه، حتی زمانی که حکومت‌ها تغییر کرده‌اند، الگوی تمرکز قدرت همچنان باقی مانده است.

به همین دلیل، از نگاه او مسئله اصلی نه فقط تغییر حکومت، بلکه تغییر رابطه میان حکومت و شهروندان است.

در چنین چارچوبی است که مفهوم سکولاریسم اهمیت پیدا می‌کند. سکولاریسم در اندیشه نوری‌علا صرفاً جدایی دین و دولت نیست؛ بلکه یکی از ابزارهای محدود کردن قدرت و جلوگیری از تمرکز آن در دست گروهی خاص است. او سکولاریسم را بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای تحقق آزادی می‌داند؛ پروژه‌ای که هدف آن ایجاد جامعه‌ای است که در آن هیچ فرد، نهاد یا ایدئولوژی نتواند خود را صاحب حقیقت مطلق و مالک سرنوشت دیگران بداند.

به همین دلیل، مطالعه تاریخ در آثار نوری‌علا صرفاً بازگویی گذشته نیست. تاریخ برای او ابزاری است برای فهم حال و طراحی آینده. او به تاریخ بازمی‌گردد تا نشان دهد چرا جامعه ایران بارها با مسئله استبداد روبه‌رو شده و چگونه می‌تواند از تکرار این چرخه جلوگیری کند.

در پایان می‌توان گفت که مفهوم آزادی در اندیشه نوری‌علا نه یک شعار سیاسی و نه یک خواسته مقطعی است. آزادی در آثار او نتیجه یک فرآیند تاریخی طولانی است؛ فرآیندی که از دل تجربه‌های تلخ و شیرین ملت ایران شکل گرفته و هنوز نیز به پایان نرسیده است.

اگر فصل نخست این کتاب به معرفی مسیر فکری اسماعیل نوری‌علا اختصاص داشت، این فصل نشان می‌دهد که چرا مسئله آزادی به محور اصلی اندیشه او تبدیل شد و چگونه مطالعه تاریخ ایران او را به سوی نظریه سکولار دموکراسی هدایت کرد.

در فصل بعد، به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم این منظومه فکری خواهیم پرداخت: «ملت ایران»؛ مفهومی که در اندیشه نوری‌علا نه تنها یک واقعیت تاریخی، بلکه پیش‌شرط شکل‌گیری دموکراسی و حکومت قانون به شمار می‌رود.



ملت؛ نقطه آغاز اندیشه سیاسی اسماعیل نوری‌علا

اگر از خواننده‌ای که سال‌ها آثار اسماعیل نوری‌علا را دنبال کرده است پرسیم که مهم‌ترین دغدغه فکری او چیست، احتمالاً پاسخ‌هایی چون سکولاریسم، سکولار دموکراسی، جمهوری اسلامی یا گذار سیاسی خواهیم شنید. اما مطالعه دقیق‌تر آثار او نشان می‌دهد که در زیر همه این مفاهیم، یک مفهوم بنیادی‌تر حضور دارد: «ملت ایران.»

در حقیقت، برای نوری‌علا مسئله اصلی نه دین است، نه حکومت، نه پادشاهی، نه جمهوری و نه حتی دموکراسی. مسئله اصلی او موجودیتی است به نام ایران و مردمانی که طی هزاران سال در این سرزمین زندگی کرده‌اند.

از این رو، هرگاه او از سکولاریسم سخن می‌گوید، هدفش حفظ آزادی و یکپارچگی ملت ایران است. هرگاه از سکولار دموکراسی دفاع می‌کند، آن را مناسب‌ترین نظام برای حفظ حقوق ملت ایران می‌داند. و هرگاه از گذار سیاسی سخن می‌گوید، دغدغه اصلی او جلوگیری از آسیب رسیدن به ملت ایران در دوران گذار است.

به همین دلیل، فهم مفهوم ملت در اندیشه نوری‌علا، کلید فهم تمام منظومه فکری اوست.

ملت چیست؟

یکی از دشواری‌های بحث هویت ملی در ایران آن است که بسیاری از واژه‌ها به جای آنکه تعریف شوند، به صورت بدیهی به کار می‌روند.

واژه‌هایی چون ملت، قوم، ملیت، کشور، میهن و هویت، هر روز در رسانه‌ها و گفت‌وگوهای سیاسی تکرار می‌شوند، اما کمتر کسی درباره معنای دقیق آنها تأمل می‌کند.

در نگاه نوری‌علا، ملت نه یک نژاد است، نه یک دین، نه یک زبان و نه یک حکومت.

اگر ملت را بر پایه نژاد تعریف کنیم، بخش بزرگی از ایرانیان از دایره ملت خارج خواهند شد.

اگر ملت را بر پایه دین تعریف کنیم، میلیون‌ها ایرانی غیرمسلمان یا کم‌اعتقاد جایی در آن نخواهند داشت.

اگر ملت را بر پایه قومیت تعریف کنیم، ایران به مجموعه‌ای از گروه‌های جداگانه تبدیل خواهد شد.

و اگر ملت را بر پایه حکومت تعریف کنیم، با سقوط هر حکومت باید ملت نیز از میان برود.

اما تاریخ ایران خلاف این را نشان می‌دهد.

حکومت‌ها آمده‌اند و رفته‌اند. زبان‌های مختلف در کنار یکدیگر زیسته‌اند. مذاهب گوناگون ظهور کرده‌اند. اقوام متعدد در نقاط مختلف کشور زندگی کرده‌اند. اما ملت ایران همچنان باقی مانده است.



بنابراین ملت را باید پدیده‌ای تاریخی دانست؛ حاصل تجربه مشترک نسل‌های متعدد که در طول قرن‌ها سرنوشت خود را به یکدیگر گره زده‌اند.

ایران؛ یک کشور یا یک تمدن؟

یکی از نکاتی که در آثار نوری‌علا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مشاهده می‌شود، نگاه تمدنی به ایران است.

او ایران را صرفاً یک واحد سیاسی نمی‌بیند.

بسیاری از کشورهای امروز جهان کمتر از دویست سال سابقه دارند. برخی از آنها حتی در قرن بیستم شکل گرفته‌اند. اما ایران داستان دیگری دارد.

نام ایران قرن‌ها پیش از شکل‌گیری بسیاری از دولت‌های کنونی وجود داشته است. مفهوم ایران در ادبیات، تاریخ، فرهنگ و حافظه جمعی مردم حضور داشته است.

حتی در دوره‌هایی که کشور دچار فروپاشی سیاسی شده، مفهوم ایران از میان نرفته است.

حمله اعراب، حمله مغول، سلطه ترکان، نفوذ روس و انگلیس، سقوط سلسله‌ها و انقلاب‌ها هیچ‌کدام نتوانسته‌اند این هویت تاریخی را نابود کنند.

از این منظر، ایران را می‌توان یکی از کهن‌ترین واحدهای تمدنی جهان دانست.

این نگاه اهمیت زیادی در اندیشه نوری‌علا دارد، زیرا او معتقد است که آینده سیاسی ایران باید بر پایه همین استمرار تاریخی ساخته شود، نه بر اساس ایدئولوژی‌های موقت و زودگذر.

فردوسی و بقای ملت ایران

در بسیاری از نوشته‌های نوری‌علا، نام فردوسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

این امر تصادفی نیست.

فردوسی در نگاه او صرفاً یک شاعر نیست.

او را می‌توان معمار حافظه تاریخی ملت ایران دانست.

پس از سقوط ساسانیان، خطر اصلی برای ایران تنها از دست رفتن قدرت سیاسی نبود؛ بلکه فراموش شدن حافظه تاریخی و فرهنگی نیز بود.

شاهنامه پاسخی به این خطر بود.

فردوسی با بازآفرینی تاریخ اسطوره‌ای و تاریخی ایران، به ایرانیان یادآوری کرد که پیش از حکومت‌های موجود نیز وجود داشته‌اند و پس از آنها نیز وجود خواهند داشت.



به همین دلیل، شاهنامه را می‌توان یکی از مهم‌ترین اسناد شکل‌گیری آگاهی ملی ایرانیان دانست.

از نگاه نوری‌علا، اگر ملت ایران توانسته است قرن‌ها هویت خود را حفظ کند، یکی از مهم‌ترین دلایل آن وجود همین حافظه تاریخی مشترک است.

ملت و تنوع قومی

یکی از مباحثی که در دهه‌های اخیر بارها مطرح شده، رابطه میان هویت ایرانی و هویت‌های قومی است.

برخی تصور می‌کنند که تأکید بر ملت ایران به معنای نادیده گرفتن اقوام است.

در مقابل، برخی دیگر هویت قومی را در برابر هویت ملی قرار می‌دهند.

نوری‌علا هر دو دیدگاه را نادرست می‌داند.

به باور او، ایران دقیقاً به این دلیل ایران باقی مانده است که توانسته اقوام، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف را در یک چارچوب تمدنی مشترک گرد آورد.

ایرانی بودن و کرد بودن، ایرانی بودن و بلوچ بودن، ایرانی بودن و آذری بودن یا ایرانی بودن و عرب بودن، مفاهیمی متضاد نیستند.

همان‌گونه که یک فرد می‌تواند هم پدر باشد، هم استاد دانشگاه و هم شهروند یک کشور، انسان نیز می‌تواند هم‌زمان دارای چندین لایه هویتی باشد.

مشکل زمانی آغاز می‌شود که سیاست بخواهد یکی از این هویت‌ها را علیه دیگری بسیج کند.

در اینجا نوری‌علا به یکی از اصول بنیادین سکولار دموکراسی می‌رسد: برابری همه شهروندان بدون توجه به قومیت، زبان یا مذهب.

زیرا تنها در چنین شرایطی است که تنوع فرهنگی به جای تبدیل شدن به عامل جدایی، به سرمایه ملی تبدیل می‌شود.

ملت و آینده ایران

شاید مهم‌ترین نتیجه‌ای که از این بحث می‌توان گرفت آن باشد که در اندیشه اسماعیل نوری‌علا، ملت ایران نه موضوعی مربوط به گذشته، بلکه پروژه‌ای مربوط به آینده است.

او بارها هشدار داده است که در دوران گذار سیاسی، بزرگ‌ترین خطر برای ایران می‌تواند از هم‌گسیختگی ملی باشد.

به همین دلیل، هرگونه برنامه سیاسی برای آینده باید از حفظ یکپارچگی ملت ایران آغاز شود.

از نگاه او، دموکراسی بدون ملت پایدار نمی‌ماند و ملت نیز بدون آزادی و برابری دوام نخواهد آورد.

به همین سبب، ملت ایران، سکولاریسم و سکولار دموکراسی سه حلقه جداگانه نیستند؛ بلکه سه بخش از یک منظومه فکری واحد هستند.



فصل چهارم

اسلام سیاسی؛ از نظریه تا تجربه

در میان موضوعاتی که طی نیم قرن گذشته ذهن روشنفکران، پژوهشگران و فعالان سیاسی ایرانی را به خود مشغول کرده است، شاید هیچ موضوعی به اندازه رابطه دین و حکومت اهمیت نداشته باشد. این اهمیت تنها ناشی از وقوع انقلاب ۱۳۵۷ یا استقرار جمهوری اسلامی نیست. مسئله بسیار عمیق‌تر از یک رویداد سیاسی یا یک تغییر حکومتی است. آنچه در ایران معاصر رخ داده، بخشی از یک پرسش تاریخی بزرگ‌تر است؛ پرسشی که نه فقط ایرانیان بلکه بسیاری از جوامع دیگر نیز با آن روبه‌رو بوده‌اند: آیا دین می‌تواند بنیان یک حکومت مدرن باشد؟

برای اسماعیل نوری‌علا، این پرسش صرفاً یک بحث نظری یا دانشگاهی نیست. او به نسلی تعلق دارد که هم دوره پیش از انقلاب را دیده، هم در فضای انقلابی دهه پنجاه زیسته و هم بیش از چهار دهه تجربه حکومت جمهوری اسلامی را از سر گذرانده است. از این رو، نگاه او به اسلام سیاسی حاصل مطالعه صرف نیست؛ بلکه حاصل مشاهده مستقیم یکی از مهم‌ترین تجربه‌های سیاسی جهان معاصر است.

در آثار نوری‌علا، میان اسلام به عنوان یک دین و اسلام سیاسی به عنوان یک پروژه قدرت، تمایزی روشن وجود دارد. او بارها تأکید کرده است که نقد اسلام سیاسی به معنای مخالفت با باورهای دینی مردم نیست. میلیون‌ها ایرانی مسلمان بوده‌اند و هستند و حق دارند باورهای مذهبی خود را آزادانه حفظ کنند. مسئله از جایی آغاز می‌شود که دین از قلمرو ایمان فردی خارج شده و به ابزار سازمان‌دهی قدرت سیاسی تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، دین دیگر صرفاً راهنمای اخلاقی یا معنوی نیست. به تدریج به ایدئولوژی حکومت بدل می‌شود. ایدئولوژی نیز، صرف‌نظر از ماهیت مذهبی یا غیرمذهبی آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد. هر ایدئولوژی حکومتی مدعی است که پاسخ نهایی را در اختیار دارد. از این رو، به تدریج تحمل خود را در برابر دیدگاه‌های متفاوت از دست می‌دهد و به سمت انحصار حقیقت حرکت می‌کند.

از نگاه نوری‌علا، مشکل اصلی حکومت‌های ایدئولوژیک دقیقاً در همین ادعای مالکیت حقیقت نهفته است. هنگامی که یک حکومت خود را نماینده اراده الهی، حقیقت تاریخی یا هر اصل مطلق دیگری بداند، دیگر نیازی به پاسخگویی واقعی در برابر مردم احساس نمی‌کند. زیرا مشروعیت خود را نه از شهروندان، بلکه از منبعی فراتر از شهروندان دریافت می‌کند.

در چنین نظامی، انتخابات می‌تواند برگزار شود، مجلس می‌تواند وجود داشته باشد و حتی قانون اساسی نیز می‌تواند نوشته شود، اما روح حاکم بر همه این نهادها با روح دموکراسی متفاوت خواهد بود. در دموکراسی، قدرت از مردم سرچشمه می‌گیرد و به مردم بازمی‌گردد. اما در حکومت ایدئولوژیک، قدرت از حقیقتی فراتر از مردم سرچشمه می‌گیرد و مردم تنها در چارچوب آن حقیقت اجازه مشارکت پیدا می‌کنند.

نوری‌علا معتقد است که بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران را می‌توان از منظر همین تفاوت تحلیل کرد. بسیاری از نیروهای سیاسی که در انقلاب ۱۳۵۷ مشارکت داشتند، آرزوی آزادی و عدالت داشتند. اما بخش مهمی از آنان به اندازه کافی به تفاوت



میان حکومت مردم و حکومت ایدئولوژی توجه نکرده بودند. همین امر سبب شد که پس از سقوط نظام سلطنتی، ساختاری شکل بگیرد که اگرچه از نظر ظاهری جدید بود، اما در عمل نوع دیگری از تمرکز قدرت را بازتولید می‌کرد.

یکی از نکات مهم در اندیشه نوری علا آن است که او اسلام سیاسی را پدیده‌ای صرفاً ایرانی نمی‌داند. به باور او، این جریان بخشی از تحولات گسترده‌تر قرن بیستم در خاورمیانه است. در بسیاری از کشورهای منطقه، شکست ناسیونالیسم عربی، ناکامی سوسیالیسم دولتی، فساد حکومت‌های اقتدارگرا و دخالت قدرت‌های خارجی زمینه را برای رشد جنبش‌های اسلام‌گرا فراهم کرد. این جنبش‌ها در آغاز خود را جایگزینی اخلاقی برای نظام‌های موجود معرفی می‌کردند و وعده می‌دادند که با بازگشت به ارزش‌های دینی، مشکلات جامعه را حل خواهند کرد.

اما آنچه در عمل رخ داد، غالباً متفاوت بود. از افغانستان گرفته تا سودان، از ایران گرفته تا نمونه‌های مختلف در خاورمیانه، حکومت‌های ایدئولوژیک با همان مشکلاتی روبه‌رو شدند که حکومت‌های غیرمذهبی اقتدارگرا با آن مواجه بودند: تمرکز قدرت، فساد، ناکارآمدی، محدودیت آزادی‌ها و ناتوانی در مدیریت تنوع اجتماعی.

از این رو، نوری علا اسلام سیاسی را نه راه‌حل بحران‌های خاورمیانه، بلکه بخشی از خود بحران می‌داند. او معتقد است که مسئله اصلی منطقه کمبود دینداری نیست، بلکه نبود ساختارهای سیاسی مبتنی بر حقوق شهروندی و حاکمیت قانون است. تا زمانی که حکومت‌ها خود را نماینده یک عقیده خاص بدانند، گروه‌هایی از جامعه ناگزیر به حاشیه رانده خواهند شد و زمینه برای تعارض‌های دائمی فراهم خواهد ماند.

در بسیاری از نوشته‌های او، این نکته با تأکید تکرار می‌شود که حکومت مدرن نباید بر پایه تشخیص «مؤمن» و «نامؤمن» بنا شود. وظیفه دولت تعیین حقیقت نیست. وظیفه دولت تضمین حقوق برابر شهروندان است. به محض آنکه دولت وارد قلمرو تشخیص حقیقت شود، ناگزیر بخشی از جامعه را بر بخش دیگر ترجیح خواهد داد و همین امر پایه‌های برابری را متزلزل می‌سازد.

از همین جاست که اندیشه نوری علا به تدریج به سوی سکولاریسم حرکت می‌کند. او در آغاز راه بیشتر منتقد اسلام سیاسی است، اما هرچه تجربه جمهوری اسلامی طولانی‌تر می‌شود، بیشتر به این نتیجه می‌رسد که نقد حکومت دینی به تنهایی کافی نیست. باید بدیلی نظری نیز ارائه کرد. باید توضیح داد که چه ساختاری می‌تواند هم آزادی دین را تضمین کند و هم مانع سلطه دین بر حکومت شود.

به بیان دیگر، اگر اسلام سیاسی در اندیشه نوری علا مسئله است، سکولاریسم پاسخ به آن مسئله خواهد بود.

اما پیش از رسیدن به پاسخ، باید یک نتیجه مهم را از این فصل استخراج کرد. از نگاه نوری علا، بزرگ‌ترین درس تجربه جمهوری اسلامی این نیست که یک حکومت خاص موفق یا ناموفق بوده است. بزرگ‌ترین درس آن است که هیچ عقیده‌ای - حتی اگر میلیون‌ها نفر به آن باور داشته باشند - نباید به ابزار انحصاری قدرت سیاسی تبدیل شود. زیرا قدرت، هر عقیده‌ای را دگرگون می‌کند و هر عقیده‌ای که به قدرت مطلق دست یابد، دیر یا زود آزادی را محدود خواهد ساخت.

این نتیجه‌گیری، سنگ بنای نظریه‌ای است که در فصل‌های بعدی با عنوان «سکولاریسم نو» و سپس «سکولار دموکراسی» بررسی خواهد شد؛ نظریه‌ای که اسماعیل نوری علا آن را نه صرفاً راه‌حلی برای ایران، بلکه پاسخی به یکی از کهن‌ترین مسائل تاریخ سیاسی بشر می‌داند: چگونه می‌توان آزادی انسان را در برابر قدرت حفظ کرد؟



جمهوری اسلامی؛ آزمون حکومت ایدئولوژیک

در تاریخ ملت‌ها گاه رویدادهایی رخ می‌دهند که اهمیت آنها بسیار فراتر از زمان و مکان وقوعشان است. این رویدادها تنها یک حادثه سیاسی یا اجتماعی نیستند، بلکه به آزمایشگاه‌هایی تاریخی تبدیل می‌شوند که در آنها اندیشه‌ها، نظریه‌ها و آرمان‌ها در معرض آزمون واقعیت قرار می‌گیرند. انقلاب ۱۳۵۷ و نظامی که پس از آن در ایران شکل گرفت، از همین جنس است. برای نخستین بار در دوران معاصر، حکومتی در کشوری با سابقه تمدنی طولانی بر سر کار آمد که نه تنها مشروعیت خود را از دین می‌گرفت، بلکه ادعا می‌کرد همه جنبه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه را می‌توان بر اساس یک تفسیر مذهبی سازمان داد.

برای اسماعیل نوری‌علا، جمهوری اسلامی صرفاً یک نظام سیاسی نیست که جایگزین نظام پیشین شده باشد. او این حکومت را مهم‌ترین تجربه تاریخی نسل خود می‌داند؛ تجربه‌ای که بسیاری از پرسش‌های نظری درباره رابطه دین و قدرت را به عرصه عمل کشاند. آنچه پیش از انقلاب در حوزه بحث‌های فلسفی، فقهی یا روشنفکری مطرح می‌شد، پس از استقرار جمهوری اسلامی به واقعیتی روزمره برای میلیون‌ها ایرانی تبدیل شد. به همین دلیل، در نوشته‌های نوری‌علا جمهوری اسلامی کمتر به عنوان یک دولت و بیشتر به عنوان یک تجربه تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تجربه‌ای که نتایج آن نه تنها برای ایران، بلکه برای همه جوامعی که با مسئله حکومت ایدئولوژیک روبه‌رو هستند، اهمیت دارد.

در نخستین سال‌های انقلاب، بسیاری از مردم ایران گمان می‌کردند که نظام جدید پاسخگوی آرزوهای خواهد بود که در سال‌های پایانی حکومت پهلوی در جامعه شکل گرفته بود. خواست آزادی، عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، استقلال ملی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، از جمله شعارهایی بود که میلیون‌ها نفر را به خیابان‌ها کشاند. کمتر کسی در آن روزها تصور می‌کرد که نتیجه این جنبش مردمی به شکل‌گیری یکی از متمرکزترین ساختارهای قدرت در تاریخ معاصر ایران بینجامد. همین فاصله میان آرمان‌های اولیه و نتایج نهایی است که توجه نوری‌علا را به خود جلب می‌کند.

او بارها تأکید کرده است که مشکل اصلی جمهوری اسلامی را نباید در اشخاص یا حتی در اشتباهات مدیریتی جستجو کرد. از دیدگاه او، مسئله بنیادی‌تر از آن است. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، ساختاری است که قدرت سیاسی را با یک ایدئولوژی رسمی پیوند می‌زند و به آن ایدئولوژی حق می‌دهد خود را فراتر از نقد و پرسش قرار دهد. هنگامی که یک حکومت خود را نماینده حقیقت مطلق بداند، مخالفان آن دیگر صرفاً رقیبان سیاسی نخواهند بود؛ آنان به دشمنان حقیقت تبدیل می‌شوند. در چنین فضایی، مدارا جای خود را به حذف و گفت‌وگو به نزاعی میان ایمان و کفر فروکاسته می‌شود.

نوری‌علا در بررسی تجربه جمهوری اسلامی به نکته ظریفی اشاره می‌کند که در بسیاری از تحلیل‌های سیاسی نادیده گرفته می‌شود. او معتقد است که حکومت دینی پیش از آنکه به آزادی‌های سیاسی آسیب برساند، مفهوم شهروندی را دگرگون می‌کند. در یک نظام مبتنی بر حقوق شهروندی، افراد به دلیل انسان بودن و عضویت در یک ملت از حقوق برابر برخوردارند. اما در حکومت ایدئولوژیک، ارزش سیاسی افراد به میزان نزدیکی آنان به ایدئولوژی رسمی وابسته می‌شود. به تدریج جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: کسانی که به اندازه کافی وفادار تلقی می‌شوند و کسانی که مشکوک یا نامطلوب به شمار می‌آیند. نتیجه چنین روندی آن است که اصل برابری شهروندان، که زیربنای هر نظام دموکراتیک است، به تدریج فرسوده می‌شود.



از نگاه نوری علا، این پدیده محدود به جمهوری اسلامی نیست. در قرن بیستم نیز حکومت‌های کمونیستی و فاشیستی مسیر مشابهی را پیمودند. آنها نیز خود را نمایندگان حقیقتی برتر می‌دانستند و مخالفان را نه شهروندانی با دیدگاه متفاوت، بلکه دشمنان حقیقت معرفی می‌کردند. با این حال، جمهوری اسلامی برای ایرانیان اهمیتی ویژه دارد، زیرا این تجربه را نه در کتاب‌های تاریخ بلکه در زندگی روزمره خود لمس کرده‌اند. نسل‌های مختلف ایرانی شاهد بوده‌اند که چگونه تمرکز قدرت در دست یک ایدئولوژی رسمی می‌تواند بر آموزش، فرهنگ، اقتصاد، رسانه‌ها، نظام قضایی و حتی روابط شخصی افراد تأثیر بگذارد.

یکی از نتایج مهم این تجربه، بازنگری تدریجی جامعه ایران در مفهوم حکومت دینی بوده است. بسیاری از کسانی که در سال‌های نخست انقلاب از پیوند دین و دولت حمایت می‌کردند، به تدریج به این نتیجه رسیدند که این پیوند نه تنها مشکلات جامعه را حل نکرده، بلکه به مشکلات تازه‌ای نیز انجامیده است. به باور نوری علا، این تحول فکری یکی از مهم‌ترین رخداد‌های معاصر ایران است؛ زیرا زمینه را برای شکل‌گیری نوعی آگاهی جدید فراهم کرده است. آگاهی‌ای که بر اساس آن، حفظ حرمت دین و حفظ آزادی جامعه هر دو مستلزم جدا نگه داشتن نهاد دین از نهاد حکومت هستند.



چرا حکومت دینی شکست می خورد؟

در طول تاریخ، حکومت‌های بسیاری با وعده نجات انسان به قدرت رسیده‌اند. برخی وعده عدالت داده‌اند، برخی وعده برابری، برخی وعده سعادت اخروی و برخی وعده ساختن جامعه‌ای آرمانی. در آغاز راه، اغلب این جنبش‌ها با استقبال مردم روبه‌رو شده‌اند، زیرا انسان‌ها همواره در جستجوی نظمی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر بوده‌اند. اما تاریخ بارها نشان داده است که میان آرمان‌های اولیه و نتایج نهایی فاصله‌ای عمیق وجود دارد. پرسش مهمی که ذهن بسیاری از متفکران سیاسی را به خود مشغول کرده این است که چرا چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟ چرا حکومت‌هایی که با شعار عدالت و رهایی آغاز می‌شوند، اغلب به تمرکز قدرت و محدود شدن آزادی می‌انجامند؟

این پرسش در اندیشه اسماعیل نوری علا جایگاه ویژه‌ای دارد. او در بررسی جمهوری اسلامی، تنها به نقد یک حکومت خاص نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد سازوکار درونی حکومت‌های ایدئولوژیک را بشناسد. به باور او، مسئله اصلی در افراد یا حتی در آموزه‌های مذهبی خلاصه نمی‌شود. مسئله در ساختاری نهفته است که در آن حکومت خود را صاحب حقیقت می‌داند و از همین ادعا مشروعیت خود را استخراج می‌کند.

در نظام‌های مبتنی بر حاکمیت مردم، هیچ فرد یا گروهی مالک حقیقت مطلق تلقی نمی‌شود. قانون قابل تغییر است، حکومت قابل نقد است و زمامداران قابل جایگزینی هستند. اما در حکومت‌های ایدئولوژیک، وضعیت متفاوت است. در اینجا حکومت خود را نماینده یک حقیقت فراتر از انسان‌ها معرفی می‌کند؛ حقیقتی که از دیدگاه حاکمان، مستقل از اراده شهروندان است. در نتیجه، مخالفت با حکومت به تدریج به مخالفت با آن حقیقت تعبیر می‌شود.

در اینجا است که نخستین شکاف میان آزادی و قدرت پدید می‌آید. آزادی بر این فرض استوار است که انسان‌ها حق دارند بیندیشند، تردید کنند، سؤال بپرسند و حتی اشتباه کنند. اما ایدئولوژی بر این فرض استوار است که پاسخ‌های نهایی از پیش موجودند. هنگامی که این دو منطق با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند، معمولاً ایدئولوژی تلاش می‌کند آزادی را در چارچوب خود محدود سازد.

نوری علا بارها در نوشته‌های خود تأکید کرده است که مشکل حکومت دینی را نباید تنها در دین جستجو کرد. اگر فردا حکومتی به نام نژاد، طبقه اجتماعی، ملت، انقلاب یا هر ایدئولوژی دیگری ادعای مالکیت حقیقت کند، همان روند تکرار خواهد شد. از این منظر، مسئله اصلی نه دین، بلکه انحصار حقیقت است.

قرن بیستم نمونه‌های فراوانی از این پدیده را در برابر ما قرار داده است. حکومت‌های کمونیستی اتحاد شوروی و اروپای شرقی خود را نمایندگان علم تاریخ می‌دانستند. رژیم‌های فاشیستی خود را نمایندگان ملت یا نژاد برتر معرفی می‌کردند. در همه این موارد، نتیجه نهایی شباهت‌های قابل توجهی داشت: تمرکز قدرت، محدود شدن آزادی بیان، حذف مخالفان و گسترش دستگاه‌های امنیتی.

جمهوری اسلامی نیز از نگاه نوری علا در همین چارچوب قابل فهم است. تفاوت اصلی تنها در منبع مشروعیت است. در اینجا به جای تاریخ یا نژاد، دین به منبع مشروعیت تبدیل شده است. اما سازوکار سیاسی تفاوت چندانی ندارد. هنگامی که گروهی خود را



سخنگوی حقیقت الهی معرفی می‌کنند، به تدریج این تصور شکل می‌گیرد که هیچ نهاد انسانی حق نظارت واقعی بر آنان را ندارد. نتیجه آن است که پاسخگویی کاهش می‌یابد و قدرت به صورت فزاینده‌ای متمرکز می‌شود.

اما شاید مهم‌ترین نکته در اندیشه نوری علا آن باشد که او شکست حکومت دینی را صرفاً یک شکست سیاسی نمی‌داند. از دیدگاه او، حکومت دینی در نهایت به خود دین نیز آسیب می‌زند. هنگامی که نهادهای مذهبی با ساختار قدرت درهم می‌آمیزند، ناکامی‌های حکومت نیز به پای دین نوشته می‌شود. مشکلات اقتصادی، فساد اداری، ناکارآمدی مدیریتی و سرکوب سیاسی، همگی تصویری از دین در ذهن جامعه ایجاد می‌کنند که با کارکرد معنوی و اخلاقی آن فاصله دارد.

به همین دلیل است که در بسیاری از کشورهای جهان، سکولاریسم نه برای حذف دین، بلکه برای حفاظت از دین و سیاست به طور همزمان شکل گرفت. تجربه اروپا پس از جنگ‌های مذهبی و تجربه بسیاری از جوامع مدرن نشان داد که هم دین و هم دولت زمانی سالم‌تر عمل می‌کنند که هر یک در حوزه مستقل خود فعالیت کنند.

در آثار نوری علا، این نکته بارها دیده می‌شود که حکومت دینی در نهایت دو قربانی بر جای می‌گذارد: آزادی و ایمان. آزادی را محدود می‌کند زیرا برای حفظ حقیقت رسمی ناچار به کنترل جامعه می‌شود، و ایمان را تضعیف می‌کند زیرا آن را به ابزار قدرت سیاسی تبدیل می‌سازد.

از این رو، نقد حکومت دینی در اندیشه او صرفاً نقد گذشته نیست. این نقد تلاشی است برای جلوگیری از تکرار همان تجربه در آینده. مسئله این نیست که چه کسی حکومت می‌کند؛ مسئله این است که هیچ فرد، نهاد یا عقیده‌ای نباید فراتر از نقد و پاسخگویی قرار گیرد.

در پایان این بحث، نوری علا به نتیجه‌ای می‌رسد که مسیر فکری او را برای سال‌های بعد تعیین می‌کند. اگر مشکل اصلی در آمیختگی حقیقت ایدئولوژیک و قدرت سیاسی است، پس راه‌حل باید در جدایی این دو حوزه جستجو شود. اگر آزادی تنها در فضایی شکوفا می‌شود که هیچ عقیده‌ای از امتیاز حکومتی برخوردار نباشد، پس باید ساختاری ایجاد شود که در آن دولت نسبت به باورهای شهروندان بی‌طرف بماند.

این نقطه پایان نقد اسلام سیاسی و آغاز جستجو برای یک بدیل نظری است. از اینجا به بعد، اندیشه نوری علا وارد مرحله تازه‌ای می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن به جای تمرکز بر مسئله، به دنبال پاسخ می‌گردد. نام این پاسخ در آثار او «سکولاریسم نو» است؛ مفهومی که نه تنها برای ایران، بلکه برای بسیاری از جوامعی که با مسئله حکومت ایدئولوژیک روبه‌رو هستند، اهمیت پیدا می‌کند.



سکولاریسم؛ مفهوم و سوءتفاهم‌ها

در فضای سیاسی و فرهنگی ایران کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که به اندازه «سکولاریسم» مورد سوءتفاهم قرار گرفته باشد. موافقان و مخالفان این مفهوم، هر دو گاه تعریفی از آن ارائه می‌کنند که با معنای تاریخی و فلسفی آن فاصله دارد. برای برخی، سکولاریسم مترادف با بی‌دینی است. برای برخی دیگر، به معنای دشمنی با مذهب تلقی می‌شود. گروهی آن را محصول خاص تمدن غرب می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را راه‌حلی جهانی برای اداره جوامع متنوع و چندصدایی.

در چنین فضایی، نخستین گام برای فهم اندیشه اسماعیل نوری‌علا آن است که از خود پرسیم سکولاریسم واقعاً چیست و چرا او بخش بزرگی از زندگی فکری خود را صرف توضیح و دفاع از آن کرده است.

یکی از نکات مهم در آثار نوری‌علا این است که او سکولاریسم را نه از منظر نزاع میان دین و بی‌دینی، بلکه از منظر آزادی انسان بررسی می‌کند. در نگاه او، مسئله اصلی این نیست که مردم چه دینی دارند یا ندارند. مسئله این است که آیا دولت حق دارد یک عقیده خاص را بر همه شهروندان تحمیل کند یا خیر.

به بیان دیگر، نقطه آغاز سکولاریسم در اندیشه او نه دین، بلکه قدرت است.

او معتقد است که بسیاری از سوءبرداشت‌ها درباره سکولاریسم از آنجا ناشی می‌شوند که مردم آن را صرفاً در ارتباط با دین می‌بینند. در حالی که سکولاریسم پیش از هر چیز نظریه‌ای درباره محدود کردن قدرت سیاسی است. این نظریه می‌کوشد مانع آن شود که دولت به نماینده رسمی یک عقیده خاص تبدیل گردد.

اگر به تاریخ اروپا نگاه کنیم، خواهیم دید که سکولاریسم نه در نتیجه دشمنی با دین، بلکه در نتیجه تجربه‌های تلخ جنگ‌های مذهبی پدید آمد. قرن‌ها نزاع میان فرقه‌های مختلف مسیحی، میلیون‌ها کشته بر جای گذاشت. هر گروه خود را نماینده حقیقت می‌دانست و تلاش می‌کرد حکومت را در اختیار بگیرد تا باور خود را بر دیگران تحمیل کند. در نهایت، جامعه اروپایی به این نتیجه رسید که راه‌حل نه پیروزی یک مذهب بر مذهب دیگر، بلکه خروج حکومت از این نزاع است.

به این ترتیب، دولت سکولار متولد شد.

دولت سکولار اعلام نمی‌کند که کدام دین درست است و کدام نادرست. دولت سکولار درباره نجات روح انسان‌ها داوری نمی‌کند. دولت سکولار وظیفه خود را در تضمین حقوق برابر شهروندان می‌بیند، نه در هدایت عقیدتی آنان.

نوری‌علا معتقد است که همین اصل در ایران نیز اهمیت حیاتی دارد. ایران کشوری است با تنوع گسترده مذهبی، قومی، فرهنگی و فکری. حتی در میان مسلمانان نیز برداشت‌های بسیار متفاوتی از دین وجود دارد. در چنین جامعه‌ای، هرگاه حکومت به نفع یک تفسیر خاص وارد میدان شود، ناگزیر گروه‌های دیگر را به حاشیه خواهد راند.

از این منظر، سکولاریسم نه علیه دین، بلکه در دفاع از تنوع جامعه شکل می‌گیرد.



یکی از مهم‌ترین سوء تفاهم‌هایی که نوری‌علا بارها به آن پرداخته، این تصور است که سکولاریسم به معنای حذف دین از جامعه است. او این برداشت را نادرست می‌داند. سکولاریسم هرگز مدعی حذف دین نیست. دین بخشی از زندگی میلیون‌ها انسان است و در یک جامعه آزاد، افراد حق دارند باورهای دینی خود را حفظ کنند، تبلیغ کنند و بر اساس آنها زندگی کنند.

آنچه سکولاریسم رد می‌کند، امتیاز حکومتی برای یک عقیده خاص است.

در یک جامعه سکولار، فرد مذهبی آزاد است که باور خود را داشته باشد. فرد غیرمذهبی نیز همان آزادی را دارد. دولت نه در کنار این است و نه در کنار آن. دولت متعلق به همه شهروندان است.

این نکته در اندیشه نوری‌علا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا او معتقد است که بخش بزرگی از بحران معاصر ایران از همین نقطه آغاز شده است. جمهوری اسلامی نه تنها یک حکومت مذهبی است، بلکه دولتی است که میان شهروندان بر اساس میزان نزدیکی آنان به یک تفسیر خاص از مذهب تمایز قائل می‌شود. در نتیجه، اصل برابری که باید پایه هر نظام سیاسی مدرن باشد، آسیب می‌بیند.

اما سکولاریسم در آثار نوری‌علا تنها یک اصل حقوقی نیست. او آن را بخشی از یک تحول بزرگ‌تر در فهم انسان از حکومت می‌داند.

در جهان سنتی، حکومت اغلب نماینده خدا، پادشاه مقدس یا یک حقیقت برتر تلقی می‌شد. اما در جهان مدرن، به تدریج این اندیشه شکل گرفت که حکومت نهادی انسانی است و باید در برابر انسان‌ها پاسخگو باشد. این تحول فکری شاید مهم‌ترین دستاورد تمدن مدرن باشد.

زیرا به جای آنکه حکومت را در آسمان جستجو کند، آن را به زمین بازگرداند.

از این منظر، سکولاریسم تنها جدایی دین و دولت نیست؛ بلکه جدایی حقیقت مطلق از قدرت سیاسی است.

به همین دلیل است که نوری‌علا بارها هشدار می‌دهد که خطر حکومت ایدئولوژیک محدود به دین نیست. اگر فردا حکومتی به نام نژاد، طبقه اجتماعی، انقلاب یا هر عقیده دیگری ادعای مالکیت حقیقت کند، همان مشکل دوباره تکرار خواهد شد.

سکولاریسم در معنای عمیق خود، واکنشی است به همین خطر.

واکنشی برای آنکه هیچ عقیده‌ای نتواند از ابزار دولت برای تحمیل خود بر جامعه استفاده کند.

یکی دیگر از موضوعات مهم در آثار نوری‌علا، رابطه سکولاریسم و آزادی وجدان است. او معتقد است که حق داشتن عقیده، حتی تغییر عقیده و حتی حق نداشتن عقیده از بنیادی‌ترین حقوق انسان است. هیچ حکومتی نباید در این حوزه دخالت کند. زیرا قلمرو وجدان انسان خصوصی‌ترین و شخصی‌ترین قلمرو زندگی اوست.

در نتیجه، سکولاریسم را می‌توان پاسدار آزادی وجدان نیز دانست.

هرچه دولت کمتر وارد قلمرو باورهای شخصی شود، آزادی انسان بیشتر حفظ خواهد شد.



در اینجاست که سکولاریسم از یک نظریه سیاسی به یک فلسفه آزادی تبدیل می‌شود.

اما نوری‌علا در همین نقطه از سکولاریسم کلاسیک فراتر می‌رود. او معتقد است که تجربه ایران، به ویژه تجربه جمهوری اسلامی، پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی سکولاریسم قرار داده است. آیا صرف جدایی دین و دولت کافی است؟ آیا جامعه‌ای که دهه‌ها تحت حکومت ایدئولوژیک بوده، تنها با تغییر قوانین به آزادی دست خواهد یافت؟ آیا سکولاریسم باید نسبت به همه اشکال ایدئولوژی بی‌طرف باشد یا باید از آزادی شهروندان فعالانه دفاع کند؟

پاسخ او به این پرسش‌ها، نظریه‌ای است که بعدها نام «سکولاریسم نو» را بر آن می‌گذارد.

به همین دلیل، این فصل را می‌توان پایان مرحله نخست اندیشه سیاسی اسماعیل نوری‌علا دانست. تا اینجا او نشان داده است که چرا حکومت ایدئولوژیک به آزادی آسیب می‌زند و چرا سکولاریسم ضروری است. اما از فصل بعدی، او یک گام فراتر می‌رود و تلاش می‌کند سکولاریسم را با تجربه تاریخی ایران بازتعریف کند.

نام این تلاش «سکولاریسم نو» است؛ مفهومی که شاید مهم‌ترین سهم نظری اسماعیل نوری‌علا در ادبیات سیاسی معاصر ایران باشد.



فصل هشتم

سکولاریسم نو

هنگامی که تجربه، نظریه را دگرگون می کند

اندیشه‌های سیاسی همانند موجودات زنده‌اند. آنها متولد می‌شوند، رشد می‌کنند، دگرگون می‌شوند و گاه در برابر تجربه‌های تاریخی ناچار به بازنگری در خود می‌شوند. بسیاری از مفاهیمی که امروز بدهی به نظر می‌رسند، در طول زمان و در برخورد با واقعیت‌های تازه تکامل یافته‌اند. سکولاریسم نیز از این قاعده مستثنی نیست.

سکولاریسم کلاسیک در اروپا زاده شرایط تاریخی خاصی بود. جنگ‌های مذهبی، نزاع میان کلیسا و دولت، ظهور عصر روشنگری و شکل‌گیری دولت‌های ملی مدرن، همگی در تکوین این مفهوم نقش داشتند. هدف اصلی سکولاریسم در آن دوران پایان دادن به جنگ بر سر حقیقت مذهبی و ایجاد فضایی بود که در آن دولت به جای داوری درباره باورهای مردم، به اداره امور عمومی بپردازد.

اما هنگامی که این مفهوم وارد جوامعی چون ایران شد، با واقعیت‌هایی روبه‌رو گردید که با تجربه تاریخی اروپا تفاوت داشتند. در ایران، مسئله صرفاً جدایی کلیسا و دولت نبود، زیرا اساساً نهادی مشابه کلیسای اروپایی وجود نداشت. همچنین جامعه ایران با تجربه‌ای روبه‌رو شد که در زمان شکل‌گیری سکولاریسم کلاسیک وجود نداشت: تجربه یک حکومت ایدئولوژیک مدرن که دین را به بنیان رسمی ساختار سیاسی تبدیل کرده بود.

اسماعیل نوری‌علا معتقد است که همین تجربه، ضرورت بازنگری در برخی برداشت‌های سنتی از سکولاریسم را آشکار می‌سازد. به باور او، جامعه ایران صرفاً با یک مسئله حقوقی روبه‌رو نیست، بلکه با زخمی تاریخی مواجه است که در نتیجه آمیختگی دین و قدرت سیاسی ایجاد شده است. از این رو، سکولاریسم برای ایران تنها یک اصل قانونی نیست؛ بخشی از فرآیند درمان یک بحران تاریخی است.

سکولاریسم به عنوان پروژه آزادی

در بسیاری از نوشته‌های نوری‌علا، سکولاریسم بیش از آنکه به دین مربوط باشد، به آزادی مربوط است. او بارها تأکید کرده است که مسئله اصلی در نهایت آزادی انسان است؛ آزادی اندیشیدن، آزادی انتخاب، آزادی تغییر عقیده و آزادی مشارکت در سرنوشت سیاسی.

از این منظر، سکولاریسم ابزاری برای تضمین آزادی است، نه هدفی در خود.

اگر روزی ثابت شود که راه دیگری برای حفظ آزادی وجود دارد، اهمیت سکولاریسم نیز کاهش خواهد یافت. اما تجربه تاریخی نشان داده است که هرگاه دولت خود را نماینده یک حقیقت مطلق بداند، آزادی به خطر می‌افتد. این حقیقت ممکن است مذهبی باشد، ممکن است انقلابی باشد، ممکن است ملی‌گرایانه یا طبقاتی باشد. تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند.

آنچه اهمیت دارد این است که دولت از جایگاه داور حقیقت خارج شود و به نهادی تبدیل گردد که تنها وظیفه آن حفاظت از حقوق برابر شهروندان است.



در اینجاست که سکولاریسم نو از سکولاریسم سنتی فاصله می‌گیرد. در سکولاریسم نو، بحث تنها بر سر جدایی دین و دولت نیست. بحث بر سر محدود کردن هر نوع ایدئولوژی حکومتی است.

تجربه جمهوری اسلامی و تولد یک مفهوم

هیچ اندیشه‌ای بدون زمینه تاریخی شکل نمی‌گیرد. اگر جمهوری اسلامی به وجود نمی‌آمد، شاید مفهوم سکولاریسم نو نیز در شکل کنونی خود پدید نمی‌آمد.

چهار دهه حکومت دینی در ایران برای نوری‌علا تنها یک تجربه سیاسی نبود؛ آزمایشگاهی بود که بسیاری از فرضیات نظری را در معرض آزمون قرار داد. جامعه ایران شاهد بود که چگونه مفاهیمی چون ولایت فقیه، حکومت اسلامی، نظارت شرعی و مشروعیت الهی در عمل به ساختارهای سیاسی تبدیل شدند. همچنین شاهد بود که این ساختارها چگونه بر آموزش، فرهنگ، حقوق زنان، آزادی بیان، نظام قضایی و روابط اجتماعی تأثیر گذاشتند.

در نتیجه، مسئله دیگر صرفاً این نبود که آیا دین باید از دولت جدا باشد یا نه. مسئله این بود که چگونه می‌توان از تکرار چنین تجربه‌ای جلوگیری کرد.

سکولاریسم نو پاسخی به همین پرسش است.

این نظریه می‌کوشد از سطح نفی حکومت دینی فراتر رود و مجموعه‌ای از اصول مثبت را برای حفاظت از آزادی و برابری شهروندان ارائه کند.

دولت بی‌طرف یا دولت شهروندان؟

یکی از مباحث مهم در آثار نوری‌علا، مفهوم بی‌طرفی دولت است. اما او بی‌طرفی را به معنای بی‌تفاوتی نمی‌داند.

دولت سکولار نسبت به باورهای شهروندان بی‌طرف است، اما نسبت به حقوق شهروندان بی‌تفاوت نیست.

این تمایز بسیار مهم است.

دولت نباید تصمیم بگیرد که کدام مذهب درست است یا کدام فلسفه نادرست است. اما باید از حق افراد برای داشتن یا نداشتن هر یک از این باورها دفاع کند.

در این معنا، دولت سکولار نه دولت مؤمنان است و نه دولت بی‌دینان.

دولت شهروندان است.

این تحول ظاهراً ساده، یکی از عمیق‌ترین دگرگونی‌های تاریخ سیاسی بشر به شمار می‌رود. زیرا برای نخستین بار مشروعیت حکومت نه از آسمان، نه از سنت و نه از ایدئولوژی، بلکه از انسان‌های واقعی و زنده‌ای گرفته می‌شود که اعضای یک جامعه هستند.

سکولاریسم و مسئله هویت



یکی از انتقادهایی که گاه به سکولاریسم وارد می‌شود آن است که گویا هویت‌های فرهنگی و تاریخی جوامع را نادیده می‌گیرد. نوری علا این برداشت را نیز نادرست می‌داند.

او معتقد است که سکولاریسم قرار نیست فرهنگ یا سنت را از میان ببرد. همان‌گونه که دولت سکولار به مذهب رسمی نیاز ندارد، به فرهنگ رسمی نیز نیاز ندارد. فرهنگ در جامعه رشد می‌کند، تحول می‌یابد و خود را بازتولید می‌کند.

ایران هزاران سال پیش از جمهوری اسلامی وجود داشته است و هزاران سال پس از آن نیز وجود خواهد داشت. هویت ایرانی وابسته به هیچ حکومت خاصی نیست.

به همین دلیل، سکولاریسم نو نه در تضاد با هویت ایرانی، بلکه در خدمت حفظ آن قرار می‌گیرد. زیرا امکان همزیستی همه اجزای این هویت متکثر را فراهم می‌آورد.

از نفی تا ایجاب

یکی از نقاط ضعف بسیاری از جنبش‌های سیاسی آن است که بیشتر می‌دانند با چه چیزی مخالف‌اند تا اینکه بدانند چه چیزی را می‌خواهند جایگزین کنند.

نوری علا در طول سال‌ها فعالیت سیاسی و فکری به تدریج به این نتیجه رسید که مخالفت با جمهوری اسلامی به تنهایی کافی نیست. جامعه ایران نیازمند تصویری روشن از آینده است.

از این رو، سکولاریسم نو صرفاً یک نظریه انتقادی نیست.

این نظریه تلاش می‌کند بنیان‌های یک نظم سیاسی جدید را نیز توضیح دهد؛ نظمی که در آن آزادی وجدان، برابری شهروندان، حاکمیت قانون و پاسخگویی قدرت تضمین شود.

در اینجا سکولاریسم از یک مفهوم دفاعی به یک پروژه سازنده تبدیل می‌شود.

سکولاریسم نو و آینده ایران

در نهایت، اهمیت سکولاریسم نو را باید در نسبت آن با آینده ایران سنجید.

به باور نوری علا، جامعه ایران پس از دهه‌ها تجربه حکومت ایدئولوژیک به نقطه‌ای رسیده است که بیش از هر زمان دیگری آماده بازاندیشی در رابطه میان قدرت و عقیده است. نسل‌های جدید کمتر از گذشته درگیر نزاع‌های ایدئولوژیک هستند و بیشتر به دنبال حقوق فردی، آزادی‌های مدنی، رفاه، فرصت و کرامت انسانی‌اند.

این تحول اجتماعی، بستری مناسب برای رشد اندیشه سکولار فراهم کرده است.

اما سکولاریسم نو تنها به ایران محدود نمی‌شود. از نگاه نوری علا، بسیاری از جوامع خاورمیانه با چالش‌های مشابهی روبه‌رو هستند.

آنها نیز باید راهی برای همزیستی میان باورهای مختلف، حفظ آزادی‌های فردی و جلوگیری از سلطه ایدئولوژی بر دولت پیدا کنند.



به همین دلیل، سکولاریسم نوراً می‌توان تلاشی برای پاسخ دادن به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های عصر ما دانست: چگونه می‌توان جامعه‌ای ساخت که در آن انسان‌ها بدون نیاز به توافق بر سر حقیقت نهایی، بتوانند در کنار یکدیگر آزادانه زندگی کنند؟ این پرسش، در نهایت ما را به گام بعدی اندیشه نوری‌علا هدایت می‌کند. اگر سکولاریسم نو چارچوب فلسفی و نظری آزادی است، شکل سیاسی و نهادی آن چیست؟ چگونه می‌توان این اصول را در ساختار یک حکومت پیاده کرد؟ پاسخ نوری‌علا به این پرسش، مفهومی است که در دهه‌های اخیر به محور اصلی فعالیت‌های او تبدیل شده است: «سکولار دموکراسی.»

و از همین جا فصل بعدی کتاب آغاز می‌شود.



از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی

هنگامی که اسماعیل نوری علا از سکولاریسم سخن می‌گوید، مقصود او صرفاً دفاع از جدایی دین و دولت نیست. اگر چنین بود، بخش مهمی از تلاش فکری او پس از طرح مفهوم «سکولاریسم نو» پایان می‌یافت. اما مطالعه آثار او نشان می‌دهد که سکولاریسم برای او نقطه پایان نیست، بلکه نقطه آغاز است. سکولاریسم فضایی را فراهم می‌آورد که در آن آزادی می‌تواند نفس بکشد، اما به خودی خود تضمین نمی‌کند که آزادی پایدار بماند. از همین جاست که اندیشه او به سوی مفهومی گسترده‌تر حرکت می‌کند؛ مفهومی که آن را سکولار دموکراسی می‌نامد.

در طول قرن بیستم، بسیاری از کشورها موفق شدند دولت را از سلطه مستقیم نهادهای مذهبی خارج کنند، اما همه آنها به دموکراسی دست نیافتند. برخی حکومت‌های سکولار به دیکتاتوری‌های نظامی تبدیل شدند، برخی در اختیار احزاب تک‌صدایی قرار گرفتند و برخی دیگر آزادی‌های اساسی شهروندان را محدود کردند. این تجربه‌ها نشان داد که سکولاریسم به تنهایی کافی نیست. همان‌گونه که حکومت دینی می‌تواند آزادی را محدود کند، حکومت سکولار غیرپاسخگو نیز قادر است حقوق شهروندان را نقض کند.

نوری علا در مسیر مطالعه تحولات سیاسی ایران و جهان به تدریج به این نتیجه رسید که مسئله اصلی نه صرفاً سکولار بودن حکومت، بلکه دموکراتیک بودن آن است. به بیان دیگر، دولت باید هم از سلطه ایدئولوژی رها باشد و هم در برابر شهروندان پاسخگو بماند. این دو شرط از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. اگر تنها شرط نخست وجود داشته باشد، جامعه ممکن است از حکومت دینی رهایی یابد اما گرفتار اقتدارگرایی سکولار شود. اگر تنها شرط دوم وجود داشته باشد، اکثریتی موقت می‌تواند از سازوکارهای دموکراتیک برای محدود کردن آزادی دیگران استفاده کند. به همین دلیل، او به تدریج از سکولاریسم صرف عبور می‌کند و به سکولار دموکراسی می‌رسد.

در اندیشه او، سکولار دموکراسی صرفاً ترکیب دو واژه نیست. این مفهوم حاصل پیوند دو تجربه بزرگ تاریخی است. تجربه نخست، تجربه جوامعی است که از حکومت مذهبی آسیب دیده‌اند و دریافته‌اند که دولت نباید نماینده هیچ عقیده رسمی باشد. تجربه دوم، تجربه جوامعی است که از استبداد سیاسی رنج برده‌اند و فهمیده‌اند که قدرت باید تحت نظارت دائمی مردم قرار گیرد. سکولار دموکراسی حاصل تلاقی این دو تجربه است؛ تلاشی برای ساختن نظامی سیاسی که نه به نام خدا و نه به نام ایدئولوژی و نه حتی به نام اکثریت، حقوق بنیادین انسان را قربانی نکند.

در اینجا نگاه نوری علا به انسان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. او همانند بسیاری از متفکران لیبرال و دموکرات معاصر، معتقد است که فرد انسانی مقدم بر حکومت است. دولت برای خدمت به شهروندان به وجود آمده است، نه شهروندان برای خدمت به دولت. این گزاره در نگاه نخست بدیهی به نظر می‌رسد، اما اگر تاریخ ایران و بخش بزرگی از خاورمیانه را مرور کنیم، خواهیم دید که غالباً عکس این وضعیت حاکم بوده است. حکومت‌ها خود را صاحب جامعه دانسته‌اند و شهروندان را تابع اهدافی معرفی کرده‌اند که توسط حاکمان تعریف می‌شده است.



از این رو، سکولار دموکراسی در اندیشه نوری علا پیش از آنکه یک ساختار حقوقی باشد، نوعی تغییر در نگاه به رابطه انسان و قدرت است. در این نگرش، دولت دیگر صاحب حقیقت نیست، صاحب اخلاق نیست، صاحب دین نیست و حتی صاحب ملت نیز نیست. دولت تنها نهادی است که وظیفه دارد امکان زندگی آزاد و برابر شهروندان را فراهم آورد. مشروعیت آن نه از آسمان، نه از تاریخ و نه از انقلاب، بلکه از رضایت مستمر شهروندان سرچشمه می‌گیرد.

یکی از موضوعاتی که در آثار نوری علا بارها مورد توجه قرار گرفته، مسئله حقوق اقلیت‌هاست. او معتقد است که کیفیت یک دموکراسی را نباید از نحوه رفتار آن با اکثریت سنجید، بلکه باید دید با اقلیت‌ها چگونه رفتار می‌کند. اگر حکومتی تنها زمانی از آزادی دفاع کند که این آزادی در اختیار اکثریت باشد، در حقیقت هنوز به منطق دموکراسی نرسیده است. دموکراسی واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که فردی با عقیده متفاوت، مذهب متفاوت یا سبک زندگی متفاوت نیز از همان حقوقی برخوردار باشد که اکثریت از آن بهره‌مند است.

این نکته در مورد ایران اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. جامعه ایران از نظر قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی متنوع است. در چنین جامعه‌ای، هرگونه تلاش برای تعریف دولت بر اساس یک هویت خاص، ناگزیر به حذف یا حاشیه‌راندن دیگران خواهد انجامید. سکولار دموکراسی پاسخی به همین واقعیت است. این نظام نمی‌کوشد تفاوت‌ها را از میان ببرد؛ بلکه چارچوبی فراهم می‌کند که در آن تفاوت‌ها بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند.

در آثار نوری علا، مفهوم شهروندی جایگاهی محوری دارد. شهروندی در اینجا تنها یک وضعیت حقوقی نیست؛ نوعی عضویت برابر در جامعه سیاسی است. در یک نظام سکولار دموکرات، افراد نه به دلیل مذهب، نه به دلیل قومیت و نه به دلیل وفاداری ایدئولوژیک، بلکه به دلیل شهروندی بودن از حقوق سیاسی برخوردارند. همین اصل است که میان حکومت مبتنی بر شهروندی و حکومت مبتنی بر عقیده تمایز ایجاد می‌کند.

به تدریج روشن می‌شود که سکولار دموکراسی در اندیشه نوری علا صرفاً پاسخی به جمهوری اسلامی نیست. او این مفهوم را واکنشی موقت به یک بحران خاص نمی‌داند. از نگاه او، سکولار دموکراسی مناسب‌ترین شکل سازمان‌دهی سیاسی برای جامعه‌ای است که می‌خواهد هم آزادی را حفظ کند، هم تنوع را بپذیرد و هم مانع تمرکز قدرت شود. به همین دلیل، این مفهوم فراتر از یک پروژه سیاسی کوتاه‌مدت قرار می‌گیرد و به نوعی چشم‌انداز برای آینده ایران تبدیل می‌شود.

در این چشم‌انداز، مسئله اصلی آن نیست که چه فرد یا چه گروهی بر سر کار خواهد آمد. مسئله اصلی آن است که چه قواعدی بر حکومت حاکم خواهد بود. تجربه تاریخ نشان داده است که افراد می‌آیند و می‌روند، اما نهادها و قواعد می‌توانند سرنوشت نسل‌ها را شکل دهند. از این رو، تأکید نوری علا همواره بر ساختن نهادهایی بوده است که حتی در صورت تغییر دولت‌ها نیز بتوانند آزادی و حقوق شهروندان را حفظ کنند.

شاید بتوان گفت که در این مرحله از اندیشه او، سکولاریسم دیگر یک موضع دفاعی نیست. در فصل‌های پیشین، سکولاریسم پاسخی بود به خطر حکومت ایدئولوژیک. اما اکنون به یک طرح ایجابی برای آینده تبدیل می‌شود. دیگر سخن تنها از آنچه نباید باشد نیست؛ سخن از آن چیزی است که باید ساخته شود. از این رو، سکولار دموکراسی را می‌توان نقطه تلاقی همه دغدغه‌های فکری نوری علا دانست؛ دغدغه ملت ایران، آزادی فردی، حکومت قانون، حقوق بشر، تنوع فرهنگی و آینده سیاسی کشور.



اما هر نظریه‌ای زمانی اهمیت واقعی پیدا می‌کند که از سطح فلسفه به سطح عمل سیاسی برسد. پرسش بعدی این است که اگر سکولار دموکراسی چشم‌انداز مطلوب است، چگونه می‌توان به آن رسید؟ جامعه‌ای که دهه‌ها تحت حکومت ایدئولوژیک بوده است چگونه می‌تواند به چنین نظمی گذار کند؟ چه نیروهایی می‌توانند این تحول را پیش ببرند و چه موانعی در برابر آن قرار دارد؟ همین پرسش‌ها ما را به فصل بعدی کتاب هدایت می‌کند؛ جایی که اندیشه اسماعیل نوری‌علا از قلمرو نظریه وارد قلمرو عمل سیاسی می‌شود و مسئله «گذار» به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سال‌های اخیر او مطرح می‌گردد.



گذار؛ پلی میان واقعیت و آرمان

در تاریخ ملت‌ها لحظاتی وجود دارد که اهمیت آنها از انقلاب‌ها و جنگ‌ها نیز بیشتر است. این لحظات زمانی فرا می‌رسند که یک جامعه درمی‌یابد نظم سیاسی موجود دیگر قادر به پاسخگویی به نیازهای آن نیست، اما نظم جدید نیز هنوز شکل نگرفته است. فاصله میان این دو وضعیت، همان چیزی است که در علوم سیاسی «دوران گذار» نامیده می‌شود؛ دورانی که نه گذشته به پایان رسیده و نه آینده به طور کامل متولد شده است.

برای اسماعیل نوری‌علا، مفهوم گذار صرفاً یک اصطلاح سیاسی نیست. این مفهوم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و عملی سال‌های اخیر او را تشکیل می‌دهد. در بسیاری از مقالات، سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی او، پرسش اصلی دیگر این نیست که جمهوری اسلامی چه مشکلاتی دارد یا سکولار دموکراسی چه مزایایی دارد. این پرسش‌ها تا حد زیادی پاسخ داده شده‌اند. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از یک نظام ایدئولوژیک به یک نظام سکولار دموکرات رسید، بدون آنکه کشور در چرخه خشونت، فروپاشی یا هرج و مرج گرفتار شود.

این پرسش، تنها یک مسئله ایرانی نیست. بسیاری از ملت‌ها در طول تاریخ معاصر با آن روبه‌رو بوده‌اند. از اسپانیا پس از فرانکو گرفته تا کشورهای اروپای شرقی پس از فروپاشی بلوک شوروی، از آفریقای جنوبی پس از آپارتاید تا کشورهای آمریکای لاتین پس از حکومت‌های نظامی، همگی ناچار بوده‌اند راهی برای عبور از گذشته و ورود به آینده پیدا کنند. تجربه این کشورها نشان می‌دهد که سقوط یک نظام سیاسی به خودی خود ضامن آزادی نیست. در بسیاری از موارد، جامعه‌ای که از استبداد رهایی یافته، به دلیل فقدان برنامه و نهادهای مناسب، وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی طولانی شده است.

همین تجربه‌های تاریخی است که در آثار نوری‌علا بازتاب پیدا می‌کند. او بارها هشدار داده است که مخالفان جمهوری اسلامی نباید تصور کنند که صرف سقوط حکومت به معنای تحقق دموکراسی خواهد بود. تاریخ جهان پر از نمونه‌هایی است که در آن یک استبداد جای خود را به استبدادی دیگر داده است. آنچه اهمیت دارد، نحوه مدیریت دوران گذار است.

در نگاه نوری‌علا، یکی از مشکلات تاریخی جامعه ایران آن بوده که اغلب انرژی سیاسی خود را صرف نفی وضع موجود کرده است، بی‌آنکه به اندازه کافی درباره مرحله پس از آن بیندیشد. انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و حتی انقلاب ۱۳۵۷ هر یک به نوعی با این مسئله روبه‌رو بودند. آرمان‌ها روشن بودند، اما تصویر آینده و سازوکار تحقق آن همیشه به اندازه کافی شفاف نبود. نتیجه آن شد که نیروهایی که در براندازی نظم پیشین متحد شده بودند، پس از پیروزی بر سر تعریف نظم جدید با یکدیگر دچار اختلاف شدند.

به همین دلیل، نوری‌علا معتقد است که اپوزیسیون ایران باید بیش از آنکه درباره سقوط جمهوری اسلامی سخن بگوید، درباره فردای پس از آن بیندیشد. مردم حق دارند بدانند که چه جایگزینی برای وضع موجود پیشنهاد می‌شود. آنها باید بدانند که حقوقشان چگونه حفظ خواهد شد، اقتصاد چگونه اداره خواهد شد، نیروهای نظامی و امنیتی چه سرنوشتی خواهند داشت و چگونه می‌توان از تکرار چرخه انتقام و خشونت جلوگیری کرد.



در اینجا مفهوم «گذار مدیریت شده» اهمیت پیدا می‌کند. نوری‌علا معتقد است که موفق‌ترین گذارهای تاریخ آنهایی بوده‌اند که توانسته‌اند میان ضرورت تغییر و ضرورت ثبات تعادل برقرار کنند. جامعه‌ای که همه ساختارهای خود را یکباره فرو می‌ریزد، ممکن است آزادی را نیز از دست بدهد. در مقابل، جامعه‌ای که هیچ تغییری را نمی‌پذیرد، در استبداد باقی می‌ماند. هنر سیاست در دوران گذار آن است که میان این دو خطر راهی میانه بیابد.

از دیدگاه او، یکی از مهم‌ترین وظایف نیروهای سکولار دموکرات، ایجاد اعتماد در جامعه است. بسیاری از مردم، حتی اگر از وضع موجود ناراضی باشند، از بی‌ثباتی و ناامنی نیز هراس دارند. تجربه کشورهای چون سوریه، لیبی و عراق در ذهن مردم منطقه باقی مانده است. بنابراین هر پروژه سیاسی برای آینده ایران باید بتواند به این نگرانی پاسخ دهد که چگونه تغییر سیاسی می‌تواند بدون فروپاشی ملی و بدون جنگ داخلی تحقق یابد.

این نگرانی ما را به یکی از موضوعات محوری آثار نوری‌علا می‌رساند: حفظ یکپارچگی ملی در دوران گذار. همان‌گونه که در فصل‌های پیشین دیدیم، ملت ایران در اندیشه او جایگاهی بنیادین دارد. به همین دلیل، هر برنامه سیاسی که خطر تجزیه، درگیری قومی یا فروپاشی نهادهای ملی را افزایش دهد، از نظر او نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای آینده باشد. گذار موفق باید در عین ایجاد تحول سیاسی، تداوم تاریخی و ملی کشور را نیز حفظ کند.

در همین چارچوب است که او به نقش قانون اساسی انتقالی و نهادهای موقت توجه می‌کند. از نظر نوری‌علا، دوران گذار نیازمند قواعدی روشن است. جامعه باید بداند که قدرت چگونه منتقل خواهد شد، چه نهادی مسئول اداره کشور خواهد بود، انتخابات چگونه برگزار خواهد شد و چه تضمین‌هایی برای حفظ حقوق شهروندان وجود خواهد داشت. بدون چنین قواعدی، فضای سیاسی به میدان رقابت گروه‌هایی تبدیل می‌شود که هر یک خود را نماینده ملت معرفی می‌کنند.

موضوع دیگری که در آثار او اهمیت فراوان دارد، مسئله آشتی ملی است. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که دموکراسی پایدار بر پایه انتقام بنا نمی‌شود. جوامعی که پس از تغییر حکومت وارد چرخه تسویه حساب‌های بی‌پایان شده‌اند، غالباً نتوانسته‌اند ثبات و توسعه را تجربه کنند. نوری‌علا نیز معتقد است که ایران آینده به عدالت نیاز دارد، اما این عدالت نباید با انتقام اشتباه گرفته شود. هدف اصلی باید ایجاد جامعه‌ای باشد که در آن قانون جایگزین کینه شود و مسئولیت فردی جایگزین مجازات جمعی گردد.

در سال‌های اخیر، او بارها بر ضرورت شکل‌گیری نوعی همگرایی میان نیروهای سکولار دموکرات تأکید کرده است. از نگاه او، مشکل اصلی اپوزیسیون ایران تنها اختلاف نظر نیست؛ اختلاف نظر در هر جامعه آزاد امری طبیعی است. مشکل زمانی آغاز می‌شود که این اختلاف‌ها مانع همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک شوند. از این رو، مفهوم گذار در اندیشه او تنها یک بحث حقوقی یا سیاسی نیست؛ نوعی فرهنگ همکاری نیز هست.

شاید مهم‌ترین ویژگی نگاه نوری‌علا به گذار آن باشد که او آن را نه یک رویداد، بلکه یک فرآیند می‌داند. بسیاری از مردم تصور می‌کنند که گذار در یک روز خاص اتفاق می‌افتد؛ روزی که حکومت تغییر می‌کند. اما از دیدگاه او، گذار بسیار پیش از آن آغاز می‌شود و مدت‌ها پس از آن ادامه می‌یابد. گذار از لحظه‌ای شروع می‌شود که جامعه به بازاندیشی در ارزش‌ها، نهادها و آینده خود می‌پردازد و تنها زمانی پایان می‌یابد که نظم جدید مشروعیت و ثبات لازم را پیدا کرده باشد.



به همین دلیل، گذار در اندیشه اسماعیل نوری‌علا صرفاً یک راهبرد سیاسی نیست؛ پلی است میان آرمان و واقعیت، میان آزادی و ثبات، میان گذشته و آینده. اگر سکولار دموکراسی مقصد نهایی باشد، گذار همان جاده‌ای است که جامعه ایران باید از آن عبور کند.

اما هر گذار موفق نیازمند بازیگران مشخص، نهادهای کارآمد و رهبری سیاسی است. این پرسش ما را به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات اندیشه نوری‌علا هدایت می‌کند: مسئله اپوزیسیون، رهبری و شکل‌گیری آلترناتیو سیاسی. موضوعی که در فصل بعدی به آن خواهیم پرداخت.



بحران اپوزیسیون و مسئله رهبری

هیچ جامعه‌ای تنها با نارضایتی از وضع موجود به آزادی نمی‌رسد. نارضایتی می‌تواند حکومت‌ها را تضعیف کند، مشروعیت آنها را از میان ببرد و حتی زمینه فروپاشی آنها را فراهم آورد، اما نارضایتی به خودی خود نظام جایگزین نمی‌سازد. تاریخ معاصر جهان نشان داده است که میان فروپاشی یک حکومت و استقرار یک نظم آزاد، فاصله‌ای بسیار خطرناک وجود دارد؛ فاصله‌ای که اگر با اندیشه، سازمان، اعتماد و رهبری پر نشود، می‌تواند به هرج و مرج، خشونت، جنگ داخلی یا ظهور استبدادی تازه بینجامد.

در اندیشه اسماعیل نوری‌علا، مسئله اپوزیسیون دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. او اپوزیسیون را صرفاً مجموعه‌ای از مخالفان حکومت نمی‌داند. مخالفت با جمهوری اسلامی، هرچند لازم است، اما برای ساختن آینده کافی نیست. از نگاه او، اپوزیسیون زمانی به نیروی تاریخی تبدیل می‌شود که بتواند از مرحله اعتراض عبور کند و به مرحله ارائه بدیل برسد. بدیل نیز تنها یک شعار نیست؛ مجموعه‌ای است از اصول، برنامه، اعتبار، سازمان، اعتماد عمومی و توانایی اداره دوران گذار.

یکی از نقدهای مکرر نوری‌علا به اپوزیسیون ایران، پراکندگی آن است. این پراکندگی تنها به معنای تعدد گروه‌ها یا اختلاف نظرهای سیاسی نیست. در هر جامعه آزاد، اختلاف نظر طبیعی و حتی ضروری است. مشکل زمانی آغاز می‌شود که اختلاف‌ها مانع همکاری بر سر اصول بنیادین شوند. از نگاه او، اپوزیسیون ایران طی دهه‌های گذشته بارها نشان داده است که در نقد جمهوری اسلامی تواناست، اما در ایجاد ساختاری مشترک برای گذار، با دشواری‌های جدی روبه‌رو بوده است.

این دشواری دلایل گوناگون دارد. بخشی از آن به تجربه تاریخی ایرانیان بازمی‌گردد. جامعه‌ای که در طول تاریخ خود بارها شاهد تمرکز قدرت، سرکوب سیاسی و بی‌اعتمادی میان نیروهای اجتماعی بوده است، به آسانی نمی‌تواند به فرهنگ همکاری سیاسی دست یابد. بخش دیگر به زخم‌های انقلاب ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. نیروهایی که زمانی در کنار یکدیگر علیه نظام پیشین ایستادند، پس از پیروزی انقلاب به سرعت به رقیبان و سپس دشمنان یکدیگر تبدیل شدند. این تجربه، سایه سنگینی بر ذهنیت سیاسی چند نسل از ایرانیان انداخته است.

نوری‌علا در تحلیل این وضعیت، اغلب بر تفاوت میان «اتحاد» و «ائتلاف» تأکید می‌کند. اتحاد به معنای یکسان شدن همه دیدگاه‌ها نیست. هیچ جامعه متکثری نمی‌تواند و نباید به چنین وضعی برسد. آنچه لازم است، توافق بر سر اصولی محدود اما بنیادی است؛ اصولی مانند جدایی دین از حکومت، حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملت، انتخابات آزاد، حقوق بشر و پذیرش داوری مردم درباره شکل نهایی حکومت. اگر نیروهای سیاسی بتوانند بر سر این اصول به تفاهم برسند، اختلاف‌های بعدی آنان می‌تواند در چارچوب رقابت دموکراتیک حل شود.

در این نگاه، اپوزیسیون موفق نه اپوزیسیونی است که همه اعضای آن یکسان فکر کنند، بلکه اپوزیسیونی است که بتواند اختلاف‌های خود را مدیریت کند. جامعه آینده ایران نیز قرار نیست جامعه‌ای بی‌اختلاف باشد. دموکراسی دقیقاً به این دلیل پدید آمده که اختلاف‌ها را به جای خیابان، زندان و میدان جنگ، به نهادهای قانونی و انتخاباتی منتقل کند. بنابراین اگر اپوزیسیون نتواند پیش از رسیدن به قدرت فرهنگ گفت‌وگو و همکاری را تمرین کند، چگونه می‌تواند پس از تغییر حکومت آن را در سطح ملی اجرا کند؟



از همین جا مسئله رهبری پدیدار می‌شود. رهبری در اندیشه نوری‌علا به معنای ظهور یک فرد نجات‌دهنده نیست. او در عین حال می‌داند که هیچ حرکت سیاسی گسترده‌ای بدون نوعی مرکز ثقل نمی‌تواند به موفقیت برسد. توده‌های ناراضی، گروه‌های پراکنده، رسانه‌ها، فعالان مدنی و چهره‌های سیاسی، اگر نتوانند حول یک نقطه اعتماد جمع شوند، به آسانی انرژی خود را از دست می‌دهند. رهبری در این معنا نه فرمانروایی است و نه مالکیت بر جنبش؛ بلکه توانایی ایجاد اعتماد، جهت دادن به نیروها و تبدیل نارضایتی به پروژه سیاسی است.

یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در این زمینه، جایگاه شاهزاده رضا پهلوی در اندیشه و نوشته‌های سال‌های اخیر نوری‌علاست. او از یک سو می‌کوشد میان سلطنت‌طلبی ایدئولوژیک و نقش ملی یک شخصیت سیاسی تفاوت بگذارد. از سوی دیگر، به این واقعیت توجه دارد که در فضای پراکنده اپوزیسیون، چهره‌هایی که از شناخته‌شدگی، استمرار و سرمایه نمادین برخوردارند، می‌توانند در دوران گذار نقشی مهم ایفا کنند. اما این نقش از نگاه او نباید به معنای تعیین شکل حکومت آینده باشد. شکل حکومت باید به رأی آزاد مردم واگذار شود.

این نکته اهمیت زیادی دارد، زیرا یکی از منازعات فرساینده در اپوزیسیون ایران، تقابل جمهوری‌خواهی و پادشاهی‌خواهی بوده است. نوری‌علا تلاش می‌کند این تقابل را از سطح هویت سیاسی به سطح اصول دموکراتیک منتقل کند. در نگاه او، پرسش اصلی این نیست که فرد امروز جمهوری‌خواه است یا پادشاهی‌خواه. پرسش اصلی این است که آیا همه نیروها حاضرند نتیجه رأی آزاد مردم را بپذیرند؟ اگر پاسخ مثبت باشد، اختلاف بر سر شکل حکومت می‌تواند به آینده و به سازوکارهای دموکراتیک سپرده شود. اما اگر هر گروه از اکنون بخواهد نتیجه نهایی را به نام ملت تعیین کند، هنوز به منطق دموکراسی نرسیده است.

از این جهت، مسئله رهبری در اندیشه نوری‌علا با مسئله حاکمیت ملت گره خورده است. رهبر دوران گذار نباید جای ملت بنشیند. وظیفه او باید رساندن جامعه به نقطه‌ای باشد که ملت بتواند آزادانه تصمیم بگیرد. این تمایز بسیار مهم است. در فرهنگ سیاسی استبدادزده، رهبری اغلب با فرمانروایی اشتباه گرفته می‌شود. اما در فرهنگ دموکراتیک، رهبری بیش از آنکه مالک قدرت باشد، امانت‌دار فرآیند انتقال قدرت به مردم است.

یکی دیگر از محورهای مهم در تحلیل نوری‌علا، خطر تبدیل اپوزیسیون به میدان رقابت‌های شخصی است. او بارها از این نکته گلایه کرده است که بسیاری از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی بیش از آنکه به پروژه مشترک ملی بیندیشند، گرفتار نام‌ها، پرچم‌ها، گذشته‌ها و حساسیت‌های شخصی‌اند. این مسئله در فضای مهاجرت تشدید می‌شود. فاصله جغرافیایی از ایران، نبود ارتباط ارگانیک با جامعه داخل، رقابت رسانه‌ای و فقدان نهادهای حزبی پایدار، همگی به پراکندگی اپوزیسیون دامن زده‌اند.

با این حال، نوری‌علا نسبت به امکان شکل‌گیری همگرایی بدبین مطلق نیست. او معتقد است که فشار تاریخ سرانجام نیروهای سیاسی را وادار به بازاندیشی خواهد کرد. هرچه بحران جمهوری اسلامی عمیق‌تر می‌شود و هرچه جامعه ایران بیشتر به سوی مطالبه آزادی و زندگی عادی حرکت می‌کند، ضرورت همکاری میان نیروهای سکولار دموکرات نیز آشکارتر می‌گردد. از نگاه او، اپوزیسیون اگر نتواند خود را با این ضرورت تاریخی هماهنگ کند، از جامعه عقب خواهد ماند.

نکته مهم دیگر آن است که در نگاه نوری‌علا، اپوزیسیون نباید فقط در خارج از کشور تعریف شود. اگرچه بخش مهمی از فعالیت‌های فکری، رسانه‌ای و سازمانی در تبعید و مهاجرت انجام شده است، اما نیروی اصلی تغییر در داخل ایران قرار دارد. جامعه ایران با اعتراضات کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، اعتراضات معلمان، بازنشستگان، اقوام، هنرمندان و نسل جوان



نشان داده است که تغییرخواهی در لایه‌های مختلف آن حضور دارد. نقش اپوزیسیون خارج از کشور باید تقویت، نمایندگی، رساندن صدا و تدوین بدیل باشد، نه مصادره کردن مبارزه مردم داخل.

از همین جا مسئله اخلاق سیاسی نیز مطرح می‌شود. نوری‌علا بارها بر ضرورت پرهیز از خشونت، نفرت‌پراکنی، برجسب‌زنی و حذف در میان نیروهای مخالف تأکید کرده است. اگر قرار است آینده ایران بر پایه سکولار دموکراسی ساخته شود، نمی‌توان با زبان و رفتار غیردموکراتیک به آن رسید. ابزارها و هدف‌ها از یکدیگر جدا نیستند. جنبشی که امروز مخالفان درونی خود را تحمل نکند، فردا نیز در قدرت تحمل مخالفان ملی را نخواهد داشت.

در نهایت، بحران اپوزیسیون از نگاه نوری‌علا تنها یک بحران تشکیلاتی نیست. این بحران، نشانه‌ای از یک مسئله عمیق‌تر در فرهنگ سیاسی ایران است؛ مسئله اعتماد. جامعه‌ای که بارها از رهبران خود آسیب دیده، به دشواری اعتماد می‌کند. نیروهای سیاسی نیز به دشواری به یکدیگر اعتماد می‌کنند. بنابراین ساختن آلترناتیو سیاسی پیش از آنکه کار تشکیل یک شورا یا حزب باشد، کار بازسازی اعتماد عمومی است. اعتماد نیز با شعار ساخته نمی‌شود؛ با شفافیت، ثبات قدم، پذیرش مسئولیت، احترام به تفاوت‌ها و وفاداری به اصول ساخته می‌شود.

فصل حاضر نشان می‌دهد که اندیشه نوری‌علا در سال‌های اخیر به تدریج از نقد نظری جمهوری اسلامی به سوی طراحی الزامات عملی گذار حرکت کرده است. او دریافته است که هیچ نظریه‌ای، هرچقدر درست و زیبا، بدون نیروی اجتماعی و سیاسی قادر به تحقق نیست. سکولار دموکراسی اگر قرار است آینده ایران باشد، باید حاملانی داشته باشد؛ نیروهایی که بتوانند آن را از سطح مقاله و سخنرانی به سطح برنامه، نهاد و اعتماد عمومی برسانند.

از اینجا مسیر کتاب به فصل بعدی می‌رسد؛ فصلی درباره آلترناتیو سیاسی. اگر اپوزیسیون نیروی مخالفت است، آلترناتیو نیروی جایگزینی است. تفاوت این دو، تفاوت میان «نه» گفتن به وضع موجود و «آری» گفتن به آینده‌ای مشخص است.



آلترناتیو سیاسی؛ از اعتراض تا جایگزینی

در تاریخ سیاسی ملت‌ها، فاصله‌ای عمیق میان مخالفت و جایگزینی وجود دارد. بسیاری از حکومت‌ها با مخالفت گسترده روبه‌رو شده‌اند، اما تنها بخشی از این مخالفت‌ها توانسته‌اند به نیروی تبدیل شوند که نه فقط نظم موجود را به چالش بکشد، بلکه ظرفیت ساختن نظامی جدید را نیز داشته باشد. به همین دلیل، در ادبیات علوم سیاسی میان «اپوزیسیون» و «آلترناتیو» تفاوتی اساسی وجود دارد. اپوزیسیون می‌تواند مخالف باشد، معترض باشد و حتی محبوب باشد؛ اما آلترناتیو باید بتواند آینده را نمایندگی کند.

در آثار اسماعیل نوری‌علا، مفهوم آلترناتیو سیاسی یکی از مهم‌ترین حلقه‌های مفقوده سیاست ایران معاصر به شمار می‌رود. او بارها تأکید کرده است که جامعه ایران در طول دهه‌های گذشته کمبود مخالف نداشته است. از نخستین سال‌های استقرار جمهوری اسلامی تا امروز، گروه‌ها، سازمان‌ها، شخصیت‌ها و جنبش‌های متعددی با حکومت مخالفت کرده‌اند. اما آنچه کمتر شکل گرفته، آلترناتیوی بوده که بتواند اعتماد بخش بزرگی از جامعه را جلب کند و تصویری روشن از آینده ارائه دهد.

این موضوع از نظر نوری‌علا تنها یک مسئله سیاسی نیست، بلکه مسئله‌ای روان‌شناختی و اجتماعی نیز هست. مردم معمولاً زمانی حاضر می‌شوند از یک نظم سیاسی عبور کنند که احساس کنند جایگزینی قابل اعتماد برای آن وجود دارد. اگر آینده مبهم‌تر و ترسناک‌تر از وضع موجود به نظر برسد، حتی ناراضی‌ترین شهروندان نیز ممکن است در برابر تغییر مقاومت کنند. از این رو، آلترناتیو صرفاً مجموعه‌ای از شعارها نیست؛ نوعی اطمینان‌بخشی به جامعه است.

در اینجا باید به یکی از تفاوت‌های مهم اندیشه نوری‌علا با بسیاری از جریان‌های اپوزیسیون اشاره کرد. او معتقد نیست که آلترناتیو از طریق اعلام موجودیت یک حزب، شورا یا سازمان سیاسی به وجود می‌آید. آلترناتیو پیش از آنکه یک تشکیلات باشد، یک اعتبار اجتماعی است. مردم باید باور کنند که نیروهای جایگزین نه تنها قادر به سرنگونی نظم موجود، بلکه قادر به اداره کشور نیز هستند. این اعتبار با بیانیه صادر کردن به دست نمی‌آید؛ حاصل سال‌ها فعالیت، شفافیت، ثبات فکری و اعتمادسازی است.

در بسیاری از نوشته‌های نوری‌علا، نوعی نگرانی از تکرار تجربه انقلاب ۱۳۵۷ دیده می‌شود. او بارها هشدار داده است که یکی از مشکلات اساسی آن انقلاب، نبود توافق روشن درباره نظم پس از سقوط حکومت پیشین بود. نیروهای مختلف در نفی حکومت شاه متحد شدند، اما درباره آینده کشور برداشت‌های کاملاً متفاوتی داشتند. نتیجه آن شد که پس از پیروزی انقلاب، رقابت بر سر آینده آغاز شد و در نهایت منجر به استقرار نظامی گردید که بسیاری از انقلابیون اولیه نیز انتظار آن را نداشتند.

به همین دلیل، او معتقد است که جامعه ایران نباید همان اشتباه را تکرار کند. پیش از هر تحول بزرگ سیاسی، باید تا حد امکان درباره اصول بنیادین آینده توافق ایجاد شود. نه به این معنا که همه اختلاف‌ها از میان بروند، بلکه به این معنا که خطوط اصلی نظم آینده روشن باشد. مردم باید بدانند که حقوق اساسی آنان محفوظ خواهد ماند، انتخابات آزاد برگزار خواهد شد، قانون بر همه حکومت خواهد کرد و هیچ ایدئولوژی‌ای از امتیاز حکومتی برخوردار نخواهد شد.

این نگاه، نوری‌علا را به یکی از مدافعان جدی مفهوم «آلترناتیو سکولار دموکرات» تبدیل کرده است. او بارها تأکید کرده که آنچه ایران به آن نیاز دارد، صرفاً یک آلترناتیو سیاسی نیست، بلکه آلترناتیوی است که بر اصول سکولار دموکراسی استوار باشد. دلیل



این تأکید روشن است. از نگاه او، مشکل ایران تنها در اشخاص یا جناح‌های حاکم خلاصه نمی‌شود. مشکل اصلی در ساختاری است که امکان تمرکز قدرت و سلطه ایدئولوژی را فراهم می‌کند. بنابراین جایگزین واقعی نیز باید ساختاری متفاوت ارائه دهد، نه صرفاً چهره‌هایی متفاوت.

در این چارچوب، مسئله شکل حکومت اهمیت خود را پیدا می‌کند. یکی از طولانی‌ترین مناقشات اپوزیسیون ایران، بحث میان جمهوری خواهان و پادشاهی خواهان بوده است. نوری‌علا کوشیده این نزاع را از مرکز بحث خارج کند و به سطحی ثانویه منتقل سازد. او استدلال می‌کند که آنچه در مرحله گذار اهمیت دارد، نه انتخاب فوری میان جمهوری و پادشاهی، بلکه توافق بر سر اصول دموکراتیک است. اگر جامعه‌ای به آزادی، انتخابات آزاد، حاکمیت قانون و حقوق بشر متعهد باشد، شکل حکومت را می‌توان به رأی مردم واگذار کرد.

این رویکرد از یک اصل بنیادی ناشی می‌شود: حاکمیت ملت. در اندیشه نوری‌علا، هیچ فرد، حزب یا گروهی حق ندارد از پیش نتیجه انتخاب مردم را تعیین کند. آلترناتیو واقعی باید به مردم اعتماد داشته باشد و تصمیم نهایی را به آنان بسپارد. به همین دلیل، او همواره میان «رهبری گذار» و «تعیین سرنوشت نهایی کشور» تفاوت قائل می‌شود. اولی ممکن است در اختیار افراد یا نهادهای خاص قرار گیرد، اما دومی تنها از طریق رأی ملت مشروعیت پیدا می‌کند.

موضوع مهم دیگر در آثار او، رابطه میان آلترناتیو و نهادسازی است. بسیاری از جنبش‌های سیاسی بر شخصیت‌ها تکیه می‌کنند، اما نوری‌علا بارها تأکید کرده که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند آینده خود را صرفاً بر پایه افراد بنا کند. افراد می‌آیند و می‌روند. آنچه باقی می‌ماند، نهادها هستند. به همین دلیل، آلترناتیو باید بتواند نهادهای لازم برای انتقال قدرت، اداره کشور و حفظ آزادی‌ها را طراحی کند. بدون نهاد، حتی محبوب‌ترین رهبران نیز نمی‌توانند دموکراسی پایدار ایجاد کنند.

در سال‌های اخیر، او بارها به ضرورت ایجاد نوعی «جبهه سکولار دموکرات» اشاره کرده است؛ جبهه‌ای که بتواند افراد و گروه‌های گوناگون را حول اصول مشترک گرد آورد. این ایده از این باور ناشی می‌شود که هیچ گروهی به تنهایی قادر به نمایندگی کل جامعه ایران نیست. تنوع فکری، قومی، فرهنگی و سیاسی کشور ایجاب می‌کند که آینده آن نیز بر پایه همکاری و مشارکت ساخته شود.

اما در کنار همه این بحث‌ها، شاید مهم‌ترین ویژگی نگاه نوری‌علا به آلترناتیو سیاسی، واقع‌گرایی آن باشد. او برخلاف برخی جریان‌ها که آینده را به صورت آرمان شهری تصویر می‌کنند، به دشواری‌های گذار آگاه است. او می‌داند که ایران با مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی روبه‌روست. به همین دلیل، آلترناتیو از نگاه او نه وعده بهشت، بلکه تعهد به ایجاد شرایطی است که در آن جامعه بتواند مشکلات خود را از طریق سازوکارهای دموکراتیک حل کند.

در نهایت، مفهوم آلترناتیو سیاسی در اندیشه اسماعیل نوری‌علا را می‌توان تلاشی برای تبدیل آرمان به برنامه دانست. اگر سکولاریسم نو فلسفه آزادی باشد و سکولار دموکراسی شکل مطلوب حکومت، آلترناتیو سیاسی ابزاری است که این دو را از قلمرو اندیشه به قلمرو عمل منتقل می‌کند. اینجاست که اندیشه از سطح نظریه فراتر می‌رود و به پروژه‌ای برای آینده یک ملت تبدیل می‌شود.



اما حتی موفق‌ترین آلترناتیوها نیز بدون پاسخ دادن به یک پرسش اساسی نمی‌توانند اعتماد عمومی را جلب کنند: ایران پس از گذار چگونه اداره خواهد شد؟ قانون اساسی آینده چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟ رابطه دولت و ملت چگونه تعریف خواهد شد؟ و چگونه می‌توان آزادی را از گزند بازگشت استبداد حفظ کرد؟

این پرسش‌ها موضوع فصل بعدی کتاب خواهند بود؛ فصلی که به چشم‌انداز نوری‌علا درباره قانون اساسی و معماری سیاسی ایران آینده می‌پردازد.



قانون اساسی آینده و معماری سیاسی ایران نوین

یکی از تلخ‌ترین درس‌های تاریخ معاصر ایران آن است که فروپاشی یک نظام سیاسی لزوماً به آزادی منجر نمی‌شود. ملت‌ها بارها حکومت‌های نامطلوب را کنار زده‌اند، اما نتوانسته‌اند ساختاری پایدار و آزاد بنا کنند. در چنین شرایطی، امید اولیه مردم به تدریج جای خود را به ناامیدی داده و گاه استبدادی تازه جانشین استبداد پیشین شده است.

اسماعیل نوری‌علا در بخش بزرگی از نوشته‌های خود به این نکته توجه کرده است که آینده ایران را نمی‌توان صرفاً با شعار آزادی یا دموکراسی ساخت. آزادی نیازمند نهاد است و دموکراسی نیازمند قواعدی است که از آن محافظت کنند. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین پرسش‌های دوران گذار این است که چه نوع ساختار حقوقی و سیاسی می‌تواند از بازتولید استبداد جلوگیری کند.

در نگاه نوری‌علا، قانون اساسی صرفاً مجموعه‌ای از مواد حقوقی نیست. قانون اساسی در واقع قرارداد بنیادینی است که رابطه میان ملت، دولت و قدرت را تعریف می‌کند. اگر این قرارداد به درستی طراحی نشود، حتی بهترین نیت‌ها نیز ممکن است به نتایجی نامطلوب منجر شوند. از این رو، او قانون اساسی را نه یک موضوع تخصصی صرف، بلکه یکی از مهم‌ترین مسائل ملی می‌داند.

تجربه جمهوری اسلامی در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل حاکمیت ملت با اصل ولایت فقیه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در ظاهر، هر دو اصل بخشی از ساختار نظام هستند، اما در عمل اصل دوم بر اصل نخست غلبه پیدا کرده است. نتیجه آن شده که رأی مردم در نهایت در چارچوب نهادی تعریف می‌شود که خود را فراتر از رأی مردم می‌داند.

نوری‌علا این وضعیت را یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تناقض در معماری سیاسی جمهوری اسلامی می‌داند. به باور او، هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند هم بر حاکمیت ملت استوار باشد و هم نهادی را فراتر از ملت قرار دهد. دیر یا زود یکی از این دو اصل دیگری را خنثی خواهد کرد.

از همین جا یکی از پایه‌های اصلی اندیشه او درباره قانون اساسی آینده شکل می‌گیرد: حاکمیت ملت باید یگانه منبع مشروعیت سیاسی باشد.

این اصل در نگاه نخست ساده به نظر می‌رسد، اما پیامدهای بسیار گسترده‌ای دارد. اگر ملت منبع مشروعیت باشد، هیچ فرد، خاندان، حزب، ارتش، مذهب یا ایدئولوژی نمی‌تواند ادعای حق ویژه برای حکومت داشته باشد. همه باید مشروعیت خود را از رأی آزاد شهروندان کسب کنند و در برابر همان شهروندان پاسخگو باشند.

اما حاکمیت ملت به تنهایی کافی نیست. تاریخ نشان داده است که حتی حکومت‌های منتخب نیز می‌توانند به سمت تمرکز قدرت حرکت کنند. به همین دلیل، نوری‌علا همانند بسیاری از متفکران دموکراسی مدرن، بر اصل تفکیک قوا تأکید می‌کند.

قدرت سیاسی، اگر مهار نشود، میل طبیعی به گسترش دارد. هر نهادی که اختیار بیشتری به دست آورد، تمایل پیدا می‌کند آن را حفظ و تقویت کند. بنابراین آزادی تنها زمانی پایدار می‌ماند که قدرت در میان نهادهای مختلف توزیع شود و هیچ مرکز واحدی نتواند بر همه امور مسلط گردد.



از این منظر، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه تنها بخش‌های اداری حکومت نیستند. آنها ابزارهایی برای دفاع از آزادی شهروندان هستند. استقلال قوه قضائیه، آزادی رسانه‌ها، انتخابات آزاد و نهادهای مدنی همگی بخشی از همین نظام حفاظتی محسوب می‌شوند.

در آثار نوری‌علا، جایگاه حقوق بشر نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود. او معتقد است که حقوق بشر نباید هدیه دولت به مردم تلقی شود. حقوق بشر پیش از دولت وجود دارد و دولت موظف به رعایت آن است. به همین دلیل، قانون اساسی آینده ایران باید به گونه‌ای تنظیم شود که حتی اکثریت جامعه نیز نتواند حقوق بنیادین اقلیت‌ها را نقض کند.

این نکته اهمیت زیادی دارد، زیرا یکی از سوءتفاهم‌های رایج آن است که دموکراسی را صرفاً حکومت اکثریت بدانیم. نوری‌علا بارها یادآور شده است که دموکراسی بدون حقوق فردی می‌تواند به نوعی استبداد اکثریت تبدیل شود. از این رو، قانون اساسی باید نه تنها سازوکار انتخاب حکومت، بلکه حدود قدرت حکومت را نیز مشخص کند.

موضوع دیگری که در اندیشه او جایگاه مهمی دارد، مسئله تنوع فرهنگی و قومی ایران است. ایران کشوری یکدست نیست و هرگز نیز نبوده است. زبان‌ها، فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هویت‌های گوناگون در طول تاریخ در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند. از نگاه نوری‌علا، قانون اساسی آینده باید این تنوع را به رسمیت بشناسد، اما در عین حال وحدت ملی را نیز حفظ کند.

او معتقد است که یکی از اشتباهات رایج در سیاست خاورمیانه آن است که میان وحدت و تنوع تضاد ایجاد می‌شود. در حالی که یک نظام دموکراتیک می‌تواند هر دو را همزمان حفظ کند. شهروندان می‌توانند هویت‌های محلی و قومی خود را حفظ کنند و در عین حال بخشی از ملت ایران باقی بمانند.

در همین راستا، مسئله سکولاریسم در قانون اساسی آینده اهمیت اساسی پیدا می‌کند. نوری‌علا بارها تأکید کرده است که سکولاریسم نباید به صورت یک شعار سیاسی باقی بماند. این اصل باید در ساختار حقوقی کشور نهادینه شود. دولت نباید نماینده هیچ مذهب رسمی باشد و هیچ شهروندی نباید به دلیل باور یا ناپاوری مذهبی از حقوق سیاسی محروم گردد. در چنین نظامی، دین آزاد خواهد بود، اما حکومت دینی نخواهد بود.

این تمایز ظریف، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اندیشه سکولار دموکراتیک است. زیرا هم آزادی دین را تضمین می‌کند و هم آزادی جامعه را.

نوری‌علا همچنین بارها به این نکته اشاره کرده است که قانون اساسی آینده نباید محصول یک گروه محدود سیاسی باشد. مشروعیت واقعی تنها زمانی حاصل می‌شود که مردم خود در فرآیند تدوین و تصویب آن مشارکت داشته باشند. از این رو، او بر نقش مجلس مؤسسان و همه‌پرسی عمومی تأکید می‌کند. قانون اساسی آینده باید حاصل اراده ملت باشد، نه محصول توافق پشت درهای بسته میان نخبگان سیاسی.

در نهایت، آنچه از مجموع آثار او درباره قانون اساسی آینده به دست می‌آید، تصویری از حکومتی است که نه بر پایه مذهب، نه بر پایه ایدئولوژی و نه بر پایه شخصیت‌های سیاسی، بلکه بر پایه حقوق شهروندان بنا شده است. در این تصویر، دولت خدمتگزار ملت است، نه قیم ملت. قانون بر همه حاکم است و هیچ فرد یا نهادی فراتر از قانون قرار نمی‌گیرد.



به همین دلیل، معماری سیاسی ایران آینده در اندیشه نوری علا پیش از آنکه به شکل حکومت وابسته باشد، به کیفیت حکومت وابسته است. جمهوری یا پادشاهی، اگر در چارچوب سکولار دموکراسی و حاکمیت ملت عمل کنند، می‌توانند مشروعیت داشته باشند. اما هر ساختاری که خود را فراتر از رأی مردم قرار دهد، دیر یا زود از مسیر آزادی فاصله خواهد گرفت.

در اینجا اندیشه نوری علا از سطح گذار و آلترناتیو فراتر می‌رود و به چشم‌اندازی برای آینده ایران تبدیل می‌شود؛ چشم‌اندازی که در آن آزادی، قانون، ملت و دولت در تعادلی پایدار قرار می‌گیرند.

اما پرسش نهایی همچنان باقی است. اگر چنین آینده‌ای برای ایران ممکن باشد، جایگاه ایران در منطقه و جهان پس از عبور از اسلام سیاسی چه خواهد بود؟ این پرسشی است که فصل بعدی کتاب به آن خواهد پرداخت؛ فصلی درباره ایران آینده و جایگاه آن در خاورمیانه و جامعه جهانی.



ایران پس از اسلام سیاسی؛ چشم‌اندازی برای آینده

بخش بزرگی از تاریخ معاصر ایران در سایه یک پرسش بنیادین سپری شده است؛ پرسشی که نسل‌های مختلف ایرانیان، هر یک به شکلی با آن روبه‌رو بوده‌اند. این پرسش آن است که ایران چگونه می‌تواند هم کشوری آزاد باشد، هم کشوری پیشرفته، هم کشوری مستقل و هم کشوری که شهروندان آن بتوانند بدون ترس از حکومت، عقیده، مذهب، قومیت یا سبک زندگی خود را انتخاب کنند.

برای بسیاری از متفکران سیاسی، پاسخ به این پرسش در نقد گذشته خلاصه شده است. آنان سال‌ها درباره علل عقب‌ماندگی، استبداد، فساد یا شکست‌های تاریخی سخن گفته‌اند. اما اسماعیل نوری‌علا در بخش مهمی از آثار سال‌های اخیر خود، بیش از آنکه به گذشته بیندیشد، به آینده اندیشیده است. او معتقد است که هیچ ملتی تنها با نفی گذشته ساخته نمی‌شود. ملت‌ها زمانی به سوی آینده حرکت می‌کنند که بتوانند تصویری روشن از فردای خود در ذهن داشته باشند.

به همین دلیل، در آثار او مفهوم «ایران آینده» جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. این مفهوم نه یک آرمان‌شهر خیالی است و نه تکرار شعارهای سیاسی رایج. بلکه تلاشی است برای پاسخ دادن به این پرسش که اگر جامعه ایران بتواند از چرخه حکومت ایدئولوژیک عبور کند، چه فرصت‌هایی در برابر آن گشوده خواهد شد.

برای فهم این چشم‌انداز، ابتدا باید به یکی از فرض‌های بنیادی اندیشه نوری‌علا توجه کنیم. او معتقد است که جمهوری اسلامی تنها یک حکومت نیست، بلکه مرحله‌ای از یک تجربه تاریخی است. تجربه‌ای که جامعه ایران را وادار کرده است درباره رابطه دین و دولت، آزادی و قدرت، ملت و حکومت و حقوق فردی و اقتدار سیاسی بازاندیشی کند.

در این معنا، پایان اسلام سیاسی از نگاه او صرفاً پایان یک نظام حکومتی نیست. پایان یک دوره فکری نیز هست؛ دوره‌ای که در آن بخش مهمی از جامعه تصور می‌کرد سعادت سیاسی را می‌توان از طریق حکومت ایدئولوژیک به دست آورد.

همان‌گونه که اروپا پس از قرن‌ها جنگ مذهبی به این نتیجه رسید که دولت نباید نماینده یک مذهب خاص باشد، جامعه ایران نیز به تدریج به سوی این آگاهی حرکت کرده است که هیچ عقیده‌ای نباید مالک انحصاری قدرت سیاسی باشد.

از این منظر، ایران پس از اسلام سیاسی پیش از آنکه یک تحول سیاسی باشد، یک تحول فرهنگی و تمدنی است.

در چنین ایرانی، رابطه شهروند با دولت دگرگون می‌شود. شهروند دیگر رعیت حکومت، پیرو یک ایدئولوژی رسمی یا عضو طبقه‌ای خاص تلقی نمی‌شود. او صاحب حقوقی ذاتی است که دولت موظف به رعایت و حفاظت از آنهاست.

این تغییر شاید در ظاهر ساده به نظر برسد، اما در واقع یکی از بزرگ‌ترین تحولات تاریخ سیاسی بشر محسوب می‌شود. زیرا برای نخستین بار، مشروعیت قدرت نه از حقیقتی بیرون از انسان، بلکه از خود انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد.

در نگاه نوری‌علا، یکی از نخستین نتایج چنین تحولی، بازگشت اعتماد میان دولت و ملت خواهد بود. بخش مهمی از بحران‌های سیاسی معاصر ایران ناشی از شکافی است که میان حکومت و جامعه ایجاد شده است. هر چه این شکاف عمیق‌تر شده، ظرفیت کشور برای حل مشکلات خود نیز کاهش یافته است.



در ایران آینده، دولت دیگر در برابر جامعه قرار نخواهد داشت. دولت ابزاری خواهد بود که جامعه برای اداره امور خود ایجاد کرده است. به همین دلیل، رابطه‌ای که امروز بر سوءظن، ترس و کنترل استوار است، می‌تواند جای خود را به رابطه‌ای مبتنی بر مشارکت و اعتماد بدهد.

اما اهمیت این تحول تنها به عرصه سیاست محدود نمی‌شود.

نوری علاوه بر این نکته اشاره کرده است که آزادی سیاسی و توسعه اقتصادی به یکدیگر وابسته‌اند. هیچ جامعه‌ای در بلندمدت نمی‌تواند در فضای سرکوب، عدم شفافیت و فساد ساختاری به شکوفایی اقتصادی دست یابد. سرمایه، دانش، نوآوری و کارآفرینی همگی نیازمند محیطی هستند که در آن امنیت حقوقی و آزادی اندیشه وجود داشته باشد.

در نتیجه، ایران پس از اسلام سیاسی از نگاه او تنها ایرانی آزادتر نیست؛ ایرانی توانمندتر نیز هست.

کشوری که بخش بزرگی از انرژی خود را صرف نزاع‌های ایدئولوژیک نمی‌کند و می‌تواند آن را به توسعه علمی، اقتصادی و فرهنگی اختصاص دهد.

این چشم‌انداز در حوزه علم و آموزش اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در بسیاری از نوشته‌های نوری علا، نگرانی نسبت به مهاجرت گسترده نخبگان دیده می‌شود. او بارها یادآور شده است که ایران دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر انسانی منطقه است، اما بخش مهمی از این ظرفیت به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی از کشور خارج شده یا امکان شکوفایی پیدا نکرده است.

در ایران آینده، دانشگاه نه میدان کنترل ایدئولوژیک بلکه مرکز تولید دانش خواهد بود. پژوهش علمی نه بر اساس معیارهای سیاسی بلکه بر اساس معیارهای علمی ارزیابی خواهد شد. نسل جوان به جای آنکه بخش مهمی از انرژی خود را صرف عبور از محدودیت‌های حکومتی کند، خواهد توانست آن را صرف نوآوری و خلاقیت نماید.

در عرصه فرهنگ نیز تحول مشابهی رخ خواهد داد.

ایران کشوری است با یکی از غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی جهان. اما در دهه‌های اخیر بخش بزرگی از انرژی فرهنگی جامعه صرف کشمکش میان فرهنگ رسمی و فرهنگ واقعی مردم شده است. نوری علا معتقد است که جامعه زمانی به شکوفایی فرهنگی می‌رسد که دولت نقش داور فرهنگی را کنار بگذارد و اجازه دهد فرهنگ در فضای آزاد رشد کند.

در چنین فضایی، ادبیات، سینما، هنر، موسیقی و اندیشه فرصت خواهند یافت تا بدون نظارت ایدئولوژیک مسیر طبیعی خود را طی کنند.

اما شاید مهم‌ترین بخش چشم‌انداز نوری علا به جایگاه ایران در منطقه مربوط باشد.

او معتقد است که ایران پس از عبور از حکومت ایدئولوژیک می‌تواند نقش کاملاً متفاوتی در خاورمیانه ایفا کند. بخش بزرگی از تنش‌های منطقه‌ای در دهه‌های گذشته با پروژه‌های ایدئولوژیک گره خورده‌اند. در نتیجه، تغییر مسیر ایران می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای کشور داشته باشد.



از نگاه او، ایران آینده می‌تواند به جای صادرکننده ایدئولوژی، صادرکننده تجربه توسعه، دانش، فرهنگ و همکاری منطقه‌ای باشد. کشوری که به جای تعریف خود در تقابل دائمی با دیگران، جایگاه خود را در همکاری با جهان تعریف کند.

این موضوع به ویژه در رابطه با جامعه جهانی اهمیت پیدا می‌کند. نوری‌علا معتقد است که ایران نه باید منزوی باشد و نه وابسته. استقلال واقعی در جهان امروز به معنای توانایی تعامل آزاد با دیگر کشورهاست. کشوری که از اعتماد به نفس ملی برخوردار باشد، می‌تواند هم از منافع خود دفاع کند و هم در نظام بین‌المللی نقش سازنده‌ای ایفا نماید.

در نهایت، شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ویژگی چشم‌انداز نوری‌علا آن است که بر امید استوار است.

او از نسلی است که انقلاب، تبعید، سرکوب، شکست‌های سیاسی و ناامیدی‌های فراوان را تجربه کرده است. با این حال، در آثار او نوعی خوش‌بینی تاریخی دیده می‌شود؛ این باور که ملت ایران، علی‌رغم همه دشواری‌ها، توانایی عبور از بحران‌های کنونی را دارد. این خوش‌بینی نه از ساده‌انگاری، بلکه از نگاه بلندمدت به تاریخ ناشی می‌شود. ملتی که از حمله اعراب، یورش مغولان، فروپاشی سلسله‌ها، دخالت قدرت‌های خارجی و ده‌ها بحران دیگر عبور کرده است، می‌تواند از بحران کنونی نیز عبور کند.

از این رو، ایران آینده در اندیشه اسماعیل نوری‌علا صرفاً یک آرزو نیست. نتیجه منطقی روندی تاریخی است که جامعه ایران طی دهه‌های اخیر آن را آغاز کرده است؛ روندی که از نقد حکومت ایدئولوژیک آغاز می‌شود، به سکولاریسم و سکولار دموکراسی می‌رسد و در نهایت به ساختن جامعه‌ای آزاد، قانون‌مدار و انسانی منتهی می‌گردد.

در این نقطه، کتاب به پایان مسیر نظری خود نزدیک می‌شود. اکنون زمان آن رسیده است که در فصل پایانی، همه رشته‌های این پژوهش را به یکدیگر پیوند دهیم و جایگاه اسماعیل نوری‌علا را در تاریخ اندیشه سیاسی معاصر ایران ارزیابی کنیم؛ نه صرفاً به عنوان یک فعال سیاسی، بلکه به عنوان متفکری که کوشید برای یکی از دشوارترین پرسش‌های ایران معاصر پاسخی نظری و عملی بیابد.



اسماعیل نوری‌علا و جستجوی آزادی در ایران معاصر

اگر کسی بخواهد تاریخ سیاسی ایران معاصر را تنها از خلال رویدادها بخواند، با فهرستی طولانی از انقلاب‌ها، کودتاها، جنبش‌ها، اعتراضات، دولت‌ها و حکومت‌ها روبه‌رو خواهد شد. اما در پس این رویدادها، تاریخی دیگر نیز جریان دارد؛ تاریخی که کمتر دیده می‌شود و در آن نه ارتش‌ها، بلکه اندیشه‌ها با یکدیگر در کشمکش‌اند. در این تاریخ پنهان، پرسش‌هایی وجود دارند که نسل‌های مختلف ایرانیان بارها و بارها با آنها روبه‌رو شده‌اند. پرسش از آزادی، پرسش از قانون، پرسش از هویت ملی، پرسش از رابطه دین و حکومت و پرسش از جایگاه انسان در برابر قدرت، از جمله مهم‌ترین این دغدغه‌ها بوده‌اند.

سرگذشت فکری اسماعیل نوری‌علا را نیز باید در متن همین جستجوی تاریخی فهمید. او را نمی‌توان صرفاً نویسنده‌ای سیاسی، روزنامه‌نگاری منتقد، شاعری مهاجر یا فعال اپوزیسیون دانست. هر یک از این عناوین تنها بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند. آنچه به آثار و فعالیت‌های او معنا می‌بخشد، کوشش چند دهه‌ای برای یافتن پاسخی به یکی از کهن‌ترین مسائل تاریخ ایران است؛ اینکه چگونه می‌توان جامعه‌ای آزاد ساخت و چگونه می‌توان از بازگشت مداوم استبداد جلوگیری کرد.

نسل نوری‌علا نسلی است که چند ایران متفاوت را تجربه کرده است. ایران پیش از انقلاب، ایران انقلابی، ایران جمهوری اسلامی و ایران مهاجرت و تبعید، همگی بخشی از حافظه تاریخی این نسل را تشکیل می‌دهند. از همین رو، بسیاری از اندیشه‌های او نه از دل نظریه‌پردازی انتزاعی، بلکه از دل تجربه مستقیم تاریخ بیرون آمده‌اند. او همانند بسیاری از هم‌نسلان خود شاهد فروپاشی امیدهایی بود که انقلاب ۱۳۵۷ در میان بخش بزرگی از جامعه ایجاد کرده بود. نسلی که در آغاز رؤیای آزادی را در سر داشت، در ادامه با واقعیتی روبه‌رو شد که بار دیگر مسئله قدرت، مشروعیت و آزادی را به مرکز توجه بازگرداند.

در آثار نوری‌علا، این تجربه تاریخی به تدریج به یک پرسش بنیادین تبدیل می‌شود. چگونه ممکن است انقلابی که با شعار آزادی آغاز شد، به استقرار یکی از ایدئولوژیک‌ترین حکومت‌های تاریخ معاصر ایران بینجامد؟ آیا مشکل در اشخاص بود؟ در شرایط تاریخی بود؟ یا در ساختار اندیشه‌ای نهفته بود که قدرت را به نام حقیقت در اختیار می‌گرفت؟

جستجوی پاسخ به این پرسش، بخش مهمی از زندگی فکری او را شکل داده است. او به تدریج به این نتیجه رسید که مسئله اصلی تنها یک حکومت یا یک فرد نیست، بلکه رابطه‌ای است که میان قدرت و حقیقت برقرار می‌شود. هرگاه قدرت سیاسی خود را نماینده حقیقتی مطلق بداند، خواه این حقیقت مذهبی باشد، خواه انقلابی، خواه ملی‌گرایانه یا ایدئولوژیک، آزادی انسان در معرض تهدید قرار می‌گیرد. زیرا در چنین شرایطی، مخالفان نه شهروندانی با دیدگاه متفاوت، بلکه دشمنان حقیقت تلقی می‌شوند.

از همین جاست که مفهوم سکولاریسم در اندیشه او اهمیت پیدا می‌کند. اما سکولاریسم برای نوری‌علا هرگز صرفاً یک بحث درباره دین نیست. درک او از سکولاریسم بیش از آنکه از تقابل دین و بی‌دینی سرچشمه بگیرد، از دغدغه آزادی سرچشمه می‌گیرد. آنچه او در نهایت در پی آن است، دفاع از حق انسان برای انتخاب آزادانه مسیر زندگی خویش است. به همین دلیل، سکولاریسم در آثار او نه پروژه‌ای علیه ایمان، بلکه تلاشی برای محدود کردن قدرت سیاسی و حفاظت از حوزه آزادی فردی است.

همین نگاه سبب می‌شود که اندیشه او از سکولاریسم کلاسیک فراتر رود و به چیزی برسد که خود آن را «سکولاریسم نو» می‌نامد. در این برداشت، مسئله دیگر تنها جدایی دین و دولت نیست. مسئله جلوگیری از آن است که هر عقیده‌ای بتواند خود را بر فراز



جامعه قرار دهد و از ابزار حکومت برای تحمیل خویش استفاده کند. در واقع، سکولاریسم نو پاسخی است به تجربه تاریخی ایران؛ تجربه‌ای که نشان داد حتی در عصر مدرن نیز امکان بازگشت حکومت‌های ایدئولوژیک وجود دارد.

اما نوری‌علا در همین نقطه متوقف نمی‌شود. او به خوبی آگاه است که نقد یک نظام سیاسی، هرچند ضروری، به تنهایی کافی نیست. جامعه‌ای که تنها بداند با چه چیزی مخالف است، هنوز نمی‌داند چه چیزی را می‌خواهد جایگزین آن کند. از این رو، بخش مهمی از تلاش فکری او صرف ترسیم تصویری از آینده می‌شود. آینده‌ای که در آن سکولاریسم با دموکراسی پیوند می‌خورد و در قالب سکولار دموکراسی صورت‌بندی می‌شود.

در این چشم‌انداز، دولت نه نماینده یک عقیده، بلکه نماینده شهروندان است. مشروعیت نه از ایدئولوژی، بلکه از رأی مردم سرچشمه می‌گیرد. قانون نه ابزاری برای حفظ قدرت، بلکه وسیله‌ای برای محدود کردن قدرت است. و ملت نه توده‌ای تابع حکومت، بلکه سرچشمه اصلی اقتدار سیاسی محسوب می‌شود.

همین اندیشه است که او را به مسئله‌گذار، اپوزیسیون و آلت‌رناتیو سیاسی می‌رساند. در نگاه او، آزادی تنها یک آرمان نیست؛ پروژه‌ای است که باید برای تحقق آن نهاد ساخت، همکاری کرد، اعتماد آفرید و برنامه داشت. به همین دلیل، نوشته‌های سال‌های اخیر او بیش از آنکه به نقد جمهوری اسلامی بپردازند، بر ضرورت آماده شدن برای فردای جمهوری اسلامی متمرکز شده‌اند. او بارها تأکید کرده است که سرنوشت ایران نه در لحظه فروپاشی یک حکومت، بلکه در کیفیت نظامی که پس از آن ساخته می‌شود تعیین خواهد شد.

در اینجا شاید مهم‌ترین ویژگی اندیشه نوری‌علا آشکار شود. او برخلاف بسیاری از جریان‌های سیاسی که خود را در گذشته تعریف می‌کنند، بیش از هر چیز به آینده می‌اندیشد. دغدغه اصلی او بازسازی ایران است، نه انتقام از گذشته. او به جای آنکه سیاست را میدان حذف و نفی بداند، آن را فرآیندی برای ساختن نهادهای پایدار تلقی می‌کند. از همین رو، در آثار او واژه‌هایی چون قانون، شهروندی، حقوق بشر، انتخابات آزاد، مجلس مؤسسان و حاکمیت ملت بارها تکرار می‌شوند.

البته همانند هر متفکر دیگری، اندیشه‌های نوری‌علا نیز از نقد و بررسی بی‌نیاز نیستند. برخی ممکن است درباره امکان تحقق پروژه‌های سیاسی او تردید داشته باشند. برخی ممکن است راه‌حل‌های متفاوتی برای آینده ایران پیشنهاد کنند. برخی نیز ممکن است در ارزیابی نقش نیروهای سیاسی یا مسیر گذار با او هم‌نظر نباشند. اما ارزش یک متفکر تنها در پاسخ‌هایی که ارائه می‌دهد خلاصه نمی‌شود. گاه اهمیت او در طرح پرسش‌هایی است که دیگران از طرح آنها غفلت کرده‌اند.

و شاید مهم‌ترین سهم اسماعیل نوری‌علا در تاریخ اندیشه سیاسی معاصر ایران نیز همین باشد. او طی چند دهه کوشیده است مجموعه‌ای از پرسش‌های پراکنده را به منظومه‌ای نسبتاً منسجم تبدیل کند؛ منظومه‌ای که در مرکز آن آزادی انسان قرار دارد. آزادی از سلطه ایدئولوژی، آزادی از انحصار قدرت، آزادی برای انتخاب و آزادی برای مشارکت در سرنوشت جمعی.

اگر جنبش مشروطه را نخستین تلاش بزرگ ایرانیان برای محدود کردن قدرت بدانیم، می‌توان گفت نوری‌علا نیز در امتداد همان سنت فکری قرار می‌گیرد؛ سنتی که هنوز پس از بیش از یک قرن به پایان نرسیده است. زیرا مسئله اصلی آن همچنان پابرجاست: چگونه می‌توان حکومتی ساخت که به جای حکومت بر مردم، خدمتگزار مردم باشد؟



شاید تاریخ هنوز برای داوری نهایی درباره جایگاه اسماعیل نوری علا زود باشد. اما آنچه امروز می‌توان با اطمینان گفت این است که او بخشی از تلاش فکری ایران معاصر برای یافتن راهی میان استبداد و هرج و مرج، میان ایدئولوژی و آزادی، و میان گذشته و آینده بوده است. و همین تلاش، فارغ از آنکه تاریخ چه قضاوتی درباره موفقیت یا ناکامی آن داشته باشد، او را در زمره متفکرانی قرار می‌دهد که کوشیدند مسئله آزادی را به زبان زمانه خود بازتعریف کنند.

از این رو، مطالعه آثار اسماعیل نوری علا تنها مطالعه اندیشه یک فرد نیست؛ مطالعه بخشی از جستجوی تاریخی ملت ایران برای یافتن راهی به سوی آزادی است.



آزادی؛ رؤیایی که همچنان ادامه دارد

هر کتابی در پایان خود به نقطه‌ای می‌رسد که نویسنده ناچار است از میان انبوه مطالب، رشته‌ای واحد را بیرون بکشد و خواننده را بار دیگر به پرسش اصلی بازگرداند. در این پژوهش نیز، پس از مرور ده‌ها سال فعالیت فکری، فرهنگی و سیاسی اسماعیل نوری‌علا، اکنون زمان آن رسیده است که از خود بپرسیم جوهر اصلی این مسیر طولانی چه بوده است.

آیا این کتاب درباره یک نویسنده است؟

آیا درباره یک فعال سیاسی است؟

آیا درباره یک نظریه‌پرداز سکولاریسم است؟

یا درباره تاریخ معاصر ایران؟

پاسخ آن است که این کتاب اندکی از همه اینهاست، اما در عین حال فراتر از همه آنها نیز هست. آنچه در سراسر این پژوهش دیده می‌شود، روایت تلاش مداوم برای پاسخ دادن به یک پرسش بنیادین است؛ پرسشی که بیش از یک قرن است ذهن ایرانیان را به خود مشغول کرده است:

چگونه می‌توان در ایران حکومتی ساخت که در آن آزادی انسان پایدار بماند؟

در ظاهر، این پرسش ساده به نظر می‌رسد. اما تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که پاسخ به آن تا چه اندازه دشوار بوده است. از انقلاب مشروطه تا امروز، نسل‌های گوناگون ایرانیان بارها برای محدود کردن قدرت و گسترش آزادی تلاش کرده‌اند. هر بار بخشی از راه پیموده شده و هر بار نیز موانعی تازه پدید آمده است. گاه استبداد سلطنتی مانع شده، گاه دخالت قدرت‌های خارجی، گاه ضعف نهادهای مدنی و گاه ظهور ایدئولوژی‌هایی که وعده آزادی می‌دادند اما در عمل به تمرکز قدرت انجامیدند.

در چنین بستری است که باید اندیشه‌های اسماعیل نوری‌علا را فهمید. او نه از بیرون تاریخ، بلکه از درون همین تجربه تاریخی سخن می‌گوید. آثار او بازتاب تجربه نسلی است که امید انقلاب را دیده، سرخوردگی پس از انقلاب را تجربه کرده، سال‌های تبعید را پشت سر گذاشته و همچنان به آینده‌ای بهتر برای ایران می‌اندیشد.

اگر بخواهیم مسیر فکری او را در یک جمله خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت که او از نقد حکومت ایدئولوژیک به دفاع از آزادی شهروندی رسیده است. در این مسیر، مفاهیمی چون ملت ایران، سکولاریسم، سکولار دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت ملت، گذار سیاسی و آلترناتیو ملی به تدریج به اجزای یک منظومه فکری واحد تبدیل می‌شوند.

آنچه در این منظومه اهمیت دارد، صرفاً مخالفت با جمهوری اسلامی نیست. بسیاری از افراد و گروه‌ها با جمهوری اسلامی مخالف بوده‌اند و هستند. آنچه آثار نوری‌علا را متمایز می‌کند، تلاش برای ارائه بدیلی فکری و سیاسی است. او بارها تأکید کرده است که مخالفت با یک نظام سیاسی به تنهایی کافی نیست. جامعه باید بداند چه چیزی را می‌خواهد جایگزین آن کند. آینده را نمی‌توان تنها با نفی گذشته ساخت.



از همین رو، در بخش بزرگی از نوشته‌های او، نگاه از گذشته به آینده منتقل می‌شود. مسئله اصلی دیگر این نیست که جمهوری اسلامی چه خطاهایی مرتکب شده است؛ مسئله این است که چگونه می‌توان از تکرار همان خطاها جلوگیری کرد. این جابه‌جایی از نقد به ساختن، شاید مهم‌ترین ویژگی اندیشه او باشد.

در طول این کتاب دیدیم که چگونه تجربه حکومت ایدئولوژیک او را به بازاندیشی در مفهوم سکولاریسم رساند. اما سکولاریسم در نگاه او هرگز به معنای ستیز با دین نیست. آنچه او از آن دفاع می‌کند، آزادی وجدان است؛ یعنی حق انسان برای باور داشتن، باور نداشتن، تغییر باور و انتخاب آزادانه مسیر زندگی خویش. از این منظر، سکولاریسم نه دشمن ایمان، بلکه محافظ آزادی است.

همچنین دیدیم که او سکولاریسم را کافی نمی‌داند و آن را با دموکراسی پیوند می‌زند. زیرا تاریخ نشان داده است که حکومت‌های غیرمذهبی نیز می‌توانند به استبداد تبدیل شوند. بنابراین آنچه اهمیت دارد، تنها جدایی دین از دولت نیست، بلکه پاسخگو بودن قدرت در برابر شهروندان است. از دل همین اندیشه، مفهوم سکولار دموکراسی شکل می‌گیرد؛ مفهومی که در آثار نوری‌علا به ستون اصلی آینده مطلوب ایران تبدیل می‌شود.

اما شاید مهم‌ترین درس این پژوهش آن باشد که آزادی تنها یک آرمان اخلاقی نیست؛ پروژه‌ای سیاسی و اجتماعی نیز هست. آزادی بدون نهادهای حافظ آزادی پایدار نمی‌ماند. قانون اساسی، انتخابات آزاد، تفکیک قوا، رسانه‌های مستقل، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و فرهنگ مدارا همگی بخشی از سازوکاری هستند که آزادی را از تبدیل شدن دوباره قدرت به استبداد محافظت می‌کنند.

به همین دلیل، نوری‌علا بخش بزرگی از فعالیت‌های خود را به مسئله گذار اختصاص داده است. او به خوبی می‌داند که فاصله میان آرمان و واقعیت، مهم‌ترین میدان آزمون هر اندیشه سیاسی است. بسیاری از انقلاب‌ها در جهان به این دلیل شکست خورده‌اند که راه رسیدن به مقصد را به اندازه کافی جدی نگرفته‌اند. مقصد هر قدر زیبا باشد، بدون جاده‌ای امن و عقلانی دست‌یافتنی نخواهد بود.

در نگاه او، گذار نه یک حادثه لحظه‌ای بلکه فرآیندی طولانی است؛ فرآیندی که نیازمند گفت‌وگو، اعتمادسازی، نهادسازی و همکاری میان نیروهای مختلف جامعه است. همین نگاه سبب می‌شود که در آثار او مسئله اپوزیسیون، رهبری، آلترناتیو سیاسی و قانون اساسی آینده اهمیت فراوان پیدا کند. زیرا آینده ایران تنها در نتیجه سقوط یک حکومت تعیین نخواهد شد؛ بلکه در کیفیت نظمی که پس از آن ساخته می‌شود شکل خواهد گرفت.

اما شاید در پس همه این مباحث، اندیشه‌ای ساده‌تر و انسانی‌تر نهفته باشد. نوری‌علا در نهایت از جامعه‌ای سخن می‌گوید که در آن انسان بتواند بدون ترس زندگی کند. جامعه‌ای که در آن شهروند به دلیل عقیده، مذهب، جنسیت، قومیت یا گرایش سیاسی خود از حقوق برابر محروم نشود. جامعه‌ای که در آن دولت خدمتگزار ملت باشد، نه قیم آن. جامعه‌ای که در آن قانون از مردم محافظت کند، نه آنکه ابزاری برای کنترل آنان باشد.



این آرمان البته منحصر به ایران نیست. در طول تاریخ، ملت‌های بسیاری برای دستیابی به چنین وضعیتی مبارزه کرده‌اند. اما در ایران معاصر، این آرمان با تجربه‌ای ویژه گره خورده است؛ تجربه عبور از حکومت ایدئولوژیک و جستجوی راهی برای آشتی میان آزادی، هویت ملی و حکومت قانون.

در پایان این پژوهش، شاید مهم‌ترین پرسش دیگر این نباشد که آیا همه پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهای اسماعیل نوری‌علا تحقق خواهند یافت یا نه. تاریخ هیچ‌گاه دقیقاً مطابق خواست اندیشمندان حرکت نمی‌کند. اهمیت واقعی یک متفکر در آن است که بتواند افق‌های تازه‌ای را پیش روی جامعه بگشاید و پرسش‌هایی را مطرح کند که نسل‌های بعدی نیز ناگزیر از پاسخ دادن به آنها باشند.

از این منظر، میراث فکری نوری‌علا را می‌توان بخشی از ادامه سنتی دانست که از مشروطه آغاز شد؛ سنتی که می‌کوشد قدرت را محدود کند، قانون را برتر از اراده افراد قرار دهد و شهروند را در مرکز زندگی سیاسی بنشاند. این سنت هنوز به پایان نرسیده است و احتمالاً تا سال‌های طولانی همچنان موضوع بحث و مناقشه خواهد بود.

اما صرف‌نظر از فراز و فرودهای آینده، یک واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت. جامعه ایران امروز با جامعه ایران نیم قرن پیش تفاوت‌های بنیادین دارد. نسل‌های جدید پرسش‌های تازه‌ای مطرح می‌کنند. مطالبات آنان بیش از گذشته حول آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی، کیفیت زندگی، کرامت انسانی و مشارکت سیاسی شکل گرفته است. این تحول اجتماعی، خود نشانه‌ای از تغییرات عمیق‌تر در بطن جامعه ایران است.

شاید به همین دلیل است که در آثار نوری‌علا، علی‌رغم همه نقدها و نگرانی‌ها، نوعی امید پایدار دیده می‌شود. این امید نه بر خوش‌بینی ساده‌لوحانه استوار است و نه بر انتظار معجزه. بلکه بر این باور استوار است که ملت‌ها می‌توانند از تجربه‌های تاریخی خود بیاموزند و مسیرهای تازه‌ای را برگزینند.

ایران در طول تاریخ خود بارها با بحران‌های بزرگ روبه‌رو شده است. حملات خارجی، فروپاشی سلسله‌ها، جنگ‌ها، انقلاب‌ها و دگرگونی‌های عظیم اجتماعی نتوانسته‌اند حیات تاریخی این ملت را متوقف کنند. از همین رو، این امید وجود دارد که ایران بتواند از بحران کنونی نیز عبور کند و راهی به سوی آینده‌ای آزادتر، قانونمندتر و انسانی‌تر بیابد.

اگر این کتاب ارزشی داشته باشد، ارزش آن تنها در معرفی اندیشه‌های یک نویسنده یا فعال سیاسی نیست. ارزش آن در یادآوری این حقیقت است که جستجوی آزادی در ایران هنوز پایان نیافته است. این جستجو از مشروطه آغاز شد، از نسل‌های مختلف عبور کرد و در آثار متفکرانی چون اسماعیل نوری‌علا ادامه یافت.

و شاید مهم‌ترین پیام این کتاب نیز همین باشد: آزادی مقصدی نیست که یک بار برای همیشه به آن برسیم؛ آزادی راهی است که هر نسل باید آن را از نو ببیماید و برای نسل بعدی هموارتر سازد.



آثار و اندیشه‌های دکتر اسماعیل نوری‌علا

کتاب‌شناسی مقدماتی، طبقه‌بندی موضوعی، فهرست جمعه‌گردی‌ها، و تحلیل سیر تحول فکری نسخه پژوهشی اولیه، تهیه شده برای گردآوری و سامان‌دهی منابع قابل بازیابی در وب. تاریخ تهیه: ۲۸ مه ۲۰۲۶.

۱. یادداشت روش‌شناختی

این سند بر پایه منابع قابل بازیابی از وب‌سایت جنبش سکولار دموکراسی ایران، صفحات آرشیوی مرتبط، و چند منبع بیرونی تهیه شده است. در این مرحله، هدف اصلی ایجاد یک چارچوب پژوهشی قابل توسعه است، نه ادعای پایان کار آرشیوی. صفحه آرشیوی اصلی یادداشت‌ها و ویدئوهای اسماعیل نوری‌علا برای سال‌های جدیدتر، و PDF «ده سال جمعه‌گردی، از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی» برای دوره جمعه‌گردی‌ها، دو منبع محوری این کار هستند.

در سند ۲۰۱۵ مربوط به «ده سال جمعه‌گردی» خود نویسنده به پایان یک دوره ده‌ساله از نوشتن حدود پانصد مقاله با عنوان جمعه‌گردی اشاره می‌کند. بنابراین، در این فایل میان دو سطح تفکیک شده است: نخست، مجموعه کامل ادعاشده و قابل پیگیری در آرشیو؛ دوم، فهرست رکوردهایی که در این مرحله با عنوان و لینک مستقیم قابل بازیابی بوده‌اند.

۲. خلاصه اجرایی

آثار سیاسی نوری‌علا را می‌توان در یک مسیر پیوسته دید: از نقد ایدئولوژی و حکومت مذهبی، به صورت‌بندی «سکولاریسم نو»، سپس به ترکیب عملی‌تر «سکولار دموکراسی»، و بعد به مسئله آلترناتیوسازی، رهبری دوران گذار، نقش شاهزاده رضا پهلوی، و نسبت جمهوری یا پادشاهی با قانون اساسی آینده. در کنار این خط اصلی، موضوعاتی چون اقوام، تمرکززدایی، تمامیت ارضی، نقد اسلام سیاسی، نقد اصلاح‌طلبی، و سازماندهی اپوزیسیون نیز پیوسته تکرار می‌شوند.

۳. فهرست شماره‌گذاری شده آثار و نوشته‌های قابل بازیابی

در این جدول 97 رکورد آغازین گردآوری شده است. این فهرست باید با استخراج کامل آرشیو سالانه و آرشیو پویشگران تکمیل شود تا به فهرست صدها مقاله برسد.



شماره	سال	عنوان	نوع	موضوع	کلیدواژه	لینک/یادداشت
1	2026	سه سناریوی محتمل در شرایط کنونی جنگ	مقاله/یادداشت	بحران سیاسی، جنگ، سناریونویسی	جنگ؛ سناریو؛ ایران	باز کردن مقاله/منبع
2	2026	یادداشت‌ها و ویدئوهای اسماعیل نوری‌علا؛ آرشیو ۲۰۲۶	آرشیو	آرشیو سالانه	آرشیو؛ ویدئو؛ مقاله	باز کردن مقاله/منبع
3	2025	مشکل من با رسانه هردمبیل آقای امیر طاهری	مقاله	نقد رسانه، اپوزیسیون	رسانه؛ امیر طاهری؛ اپوزیسیون	باز کردن مقاله/منبع
4	2025	گزارش همایش مونخ	گزارش/سخنرانی	ائتلاف، کنفرانس سیاسی	مونخ؛ ائتلاف؛ نجات ایران	باز کردن مقاله/منبع
5	2025	ملاحظات در باره کنفرانس پیش روی مونخ	سخنرانی/یادداشت	ائتلاف، همکاری ملی	مونخ؛ همکاری ملی؛ مهستان	باز کردن مقاله/منبع
6	2025	امری نه اتفاقی، که سخت سنجیده و کارآمد	پیام/سخنرانی	حزب، سازماندهی سیاسی	هامبورگ؛ حزب؛ سکولار دموکراسی	باز کردن مقاله/منبع
7	2025	کنفرانس مونخ و سرگذشت و سرنوشت ائتلاف مشتاقان	مقاله	ائتلاف، رهبری، کنفرانس	مونخ؛ ائتلاف؛ شاهزاده رضا پهلوی	باز کردن مقاله/منبع



باز کردن مقاله/منبع	مهدی نصیری؛ جمهوری اسلامی؛ نقد دینی	نقد اسلام سیاسی، اصلاح دینی	نامه/مقاله	سخنی علنی با آقای مهدی نصیری	2024	8
باز کردن مقاله/منبع	وسط‌بازی؛ جامعه مدنی؛ روشنفکران	کنش سیاسی، جامعه مدنی	مقاله	امید وسط‌بازان	2024	9
باز کردن مقاله/منبع	عرفی‌گرایی؛ سکولاریسم؛ واژه‌سازی	سکولاریسم، واژه‌شناسی	مقاله نظری	عرفی‌گرایی معادل سکولاریسم نیست	2024	10
باز کردن مقاله/منبع	انتخابات؛ جمهوری اسلامی؛ مشروعیت	انتخابات، مشروعیت رژیم	مقاله	مگر در ایران انتخابات هم برگزار می‌شود؟	2024	11
باز کردن مقاله/منبع	عطا هودشتیان؛ نقد؛ سکولار دموکراسی	مجادله نظری	نقد دیگران درباره نوری‌علا	پاسخ به چند اشتباه فاحش در نظر نوری‌علا	2024	12
باز کردن مقاله/منبع	رضا پهلوی؛ سلطنت؛ دوران گذار	پادشاهی، نقش گذار، رضا پهلوی	مقاله	با شاهزاده‌ای که سلطنت طلب نیست	2023	13
باز کردن مقاله/منبع	ایران‌گرایی؛ ملت؛ زبان سیاسی	زبان سیاسی، ملت، ایران	مقاله نظری	چرا ایران‌گرایی ترکیب نارسائی است؟	2023	14
باز کردن مقاله/منبع	امیر طاهری؛ بازگشت؛ ایران	تحلیل سیاسی، تاریخ معاصر	مقاله	درباره نظریه بازگشت استاد طاهری	2023	15
باز کردن مقاله/منبع	سکولار دموکراسی؛ ایران	ایران آینده، دولت سکولار	سخنرانی/مقاله نظری	نگاهی سکولار دموکرات به ایران آینده	2023	16



	آینده؛ قانون اساسی					
	باز کردن مقاله/منبع	فعالاً و بعداً؛ گذار؛ اپوزیسیون	تاکتیک سیاسی، گذار	مقاله	درباره کاربرد تاکتیک فعالاً و بعداً	17 2023
	باز کردن مقاله/منبع	منشور؛ رضا پهلوی؛ یاران	رهبری، منشور، وکالت	مصاحبه	نگاهی به ماجرای منشور و نقش شاهزاده رضا پهلوی	18 2023
	باز کردن مقاله/منبع	وکالت؛ نشست واشنگتن؛ اپوزیسیون	نشست واشنگتن، وکالت	مقاله	هزار باده ناخورده در رگ تاک است	19 2023
	باز کردن مقاله/منبع	دموکراسی؛ کنفرانس؛ همبستگی	کنفرانس واشنگتن، همبستگی	مقاله	نگاهی به کنفرانس آینده دموکراسی در ایران	20 2023
	باز کردن مقاله/منبع	وکالت؛ شاهزاده؛ سکولار دموکرات‌ها	رهبری، وکالت، گذار	سخنرانی/مقاله	سکولار دموکرات‌ها و وکالت به شاهزاده	21 2023
	باز کردن مقاله/منبع	مردم؛ پوپولیسم؛ شاهین نجفی	مفهوم مردم، سیاست، رهبری	مقاله	غلط سیاسی فریبنده‌ای به نام مردم	22 2023
	باز کردن مقاله/منبع	آلترناتیو؛ رهبری؛ تلویزیون میهن	آلترناتیو، رهبری	مصاحبه	نگاه اسماعیل نوری‌علا به آلترناتیو و رهبری	23 2022



باز کردن مقاله/منبع	شاهزاده؛ اپوزیسیون؛ سکولار دموکراسی	رهبری، رضا پهلوی، اپوزیسیون	نامه/مقاله	سخنی با دوست ارجمند، ف.م. سخن	2022	24
باز کردن مقاله/منبع	مشروطیت؛ جمهوری؛ پادشاهی	جمهوری یا پادشاهی، مشروطیت	مقاله/سخنرانی	مشروطیت، در قامت پادشاهی و جمهوری	2022	25
باز کردن مقاله/منبع	مشروطه؛ بحث‌های کشکی؛ دموکراسی	مشروطه، نقد تاریخی	مقاله	دو نکته درباره مشروطه	2022	26
باز کردن مقاله/منبع	مشروطه؛ پهلویسم؛ دموکراسی	مشروطه، پهلویسم، دموکراسی	مقاله	مشروطه، دموکراسی خواهی و پهلویسم	2022	27
باز کردن مقاله/منبع	گفتمان؛ انقلاب؛ رفرماسیون	انقلاب، تحول دموکراتیک، فرهنگ	مقاله	در جستجوی گفتمان فرهنگی امروز	2022	28
باز کردن مقاله/منبع	ایران؛ وطن؛ شعر	ایران، وطن، هویت	شعر/یادداشت	عشقی بی حسادت	2022	29
باز کردن مقاله/منبع	اوکراین؛ جنگ؛ همبستگی	سیاست بین‌الملل، اوکراین	نامه جمعی	نامه به رئیس جمهوری اوکراین	2022	30
باز کردن مقاله/منبع	گذار؛ مسالمت‌آمیز؛ جمهوری خواهان	گذار سیاسی، جمهوری خواهان	مقاله	گذار مسالمت‌آمیز از سلطه پلنگ تیزدندان؟	2021	31
باز کردن مقاله/منبع	لبنان؛ شیعه؛ جمهوری اسلامی	سیاست منطقه‌ای، لبنان	مقاله	ارتباط تاریخی ایران با جنوب لبنان	2021	32



باز کردن مقاله/منبع	افغانستان؛ طالبان؛ اسلام سیاسی	اسلام سیاسی، طالبان، ایران	مقاله	فرق ایران و افغانستان	2021	33
باز کردن مقاله/منبع	وطن؛ وطن دوستی؛ جمهوری اسلامی	ملت، وطن، رژیم اسلامی	مقاله	وطن فروشان و ادعای وطن دوستی	2021	34
باز کردن مقاله/منبع	شعر؛ خوبی؛ مرگ	ادبیات، یادبود	شعر/یادبود	اسماعیل، تو زنده تری یا من؟	2021	35
باز کردن مقاله/منبع	نه؛ مذهب؛ شعر	شعر، نقد مذهب	شعر قدیمی	چه زیباست نه	2021	36
باز کردن مقاله/منبع	رضا پهلوی؛ شورشی؛ گذار	رهبری، اپوزیسیون، رضا پهلوی	مقاله	رضا پهلوی در قامت یک شورشی؟	2021	37
باز کردن مقاله/منبع	قرن؛ سکولار دموکراسی؛ مهستان	سکولار دموکراسی، جمع بندی قرن	سخنرانی/مقاله	پایان سال و قرن، با پیروزی سکولار دموکرات ها	2021	38
باز کردن مقاله/منبع	شاهزاده؛ نامه؛ سکولار دموکراسی	رهبری، رضا پهلوی، گذار	نامه/مقاله	شاهزاده، ما ده سال پیش دست شما را فشرده ایم	2020	39
باز کردن مقاله/منبع	اعدام؛ ترس؛ جمهوری اسلامی	سرکوب، ترس حکومتی	مقاله	یک اعدام ناشی از ترس	2020	40
باز کردن مقاله/منبع	دوشوکی؛ بلوچستان؛ سکولار دموکراسی	اقوام، تمرکززدایی، نقد	پاسخ/مجادله	پاسخ به دکتر دوشوکی؛ بدون قصد مچ گیری	2020	41
باز کردن مقاله/منبع	پساکرونا؛ آینده؛ ایران	آینده پژوهی، کرونا، ایران	سخنرانی/مقاله	نظریاتی در مورد آینده پساکرونا	2020	42



باز کردن مقاله/منبع	قذافی؛ خامنه‌ای؛ آینده ایران	سرنگونی، آینده ایران	مقاله/نقد کتاب	سید علی! قذافی را به خاطر بسپار	2020	43
باز کردن مقاله/منبع	اهداف؛ راه‌حل؛ جنبش	جنبش، مهستان، راهبرد	سخنرانی/مقاله	اهدافی دوگانه و راه‌حلی سه‌گانه	2020	44
باز کردن مقاله/منبع	مهستان؛ گزارش؛ جنبش	سازماندهی، مهستان	گزارش	گزارش دو سال فعالیت مهستان جنبش	2019	45
باز کردن مقاله/منبع	خودانتقادی؛ اپوزیسیون؛ ایران	اپوزیسیون، خودانتقادی	مقاله	کمی به خود بنگریم	2019	46
باز کردن مقاله/منبع	گذار؛ بحران؛ پیام	بحران سیاسی، گذار	پیام	پیام به گذار	2019	47
باز کردن مقاله/منبع	شورا؛ مهستان؛ انتخابات	شورا، مهستان، سازماندهی	سخنرانی	سخنان مقدماتی در نشست مهستان درباره شورا	2019	48
باز کردن مقاله/منبع	همه با هم؛ اعتماد؛ اپوزیسیون	نقد همه با هم، اپوزیسیون	نامه/مقاله	نامه‌ای به یک همکار سابق	2019	49
باز کردن مقاله/منبع	نظریه؛ جمعه‌گردی؛ سکولاریسم نو	نظریه سیاسی، سکولاریسم نو	مقاله	ماجراجویی با یک نظریه	2019	50
باز کردن مقاله/منبع	اتحاد؛ ائتلاف؛ مهستان	ائتلاف، اپوزیسیون	یادداشت سخنرانی	اتحاد برای چه و با که؟	2019	51
باز کردن مقاله/منبع	رفراندوم؛ قانون اساسی؛ گذار	رفراندوم، قانون اساسی	مقاله	رفراندوم، اول برای قانون اساسی	2019	52



باز کردن مقاله/منبع	تجزیه؛ اقوام؛ ابوزیسیون	اقوام، تجزیه، اتحاد	مقاله	اتحاد برای تجزیه؟	2018	53
باز کردن مقاله/منبع	قائم مقام؛ سکولار دموکراسی؛ نقد	مجادله سیاسی، سکولار دموکراسی	مقاله/پاسخ	دکتر قائم مقام، شعبده بازی بس است	2018	54
باز کردن مقاله/منبع	سکولار دموکراسی؛ تجزیه طلبی؛ اقوام	اقوام، تمرکززدایی، تمامیت ارضی	مقاله نظری	چرا سکولار دموکراسی پادزهر تجزیه طلبی است؟	2018	55
باز کردن مقاله/منبع	شاهزاده؛ فلاحتی؛ رهبری	رضا پهلوی، رهبری، رسانه	مقاله	پاسخ تاریخی یک شاهزاده به یک برنامه ساز کنجکاو	2018	56
باز کردن مقاله/منبع	شاهزاده؛ حمایت؛ گذار	رضا پهلوی، رهبری، گذار	نامه/مقاله	نامه ای به یک همراه خواستار حمایت از شاهزاده	2018	57
باز کردن مقاله/منبع	اصلاح طلبان؛ آرشیو؛ انقلاب	اصلاح طلبان، آرشیو سیاسی	مقاله	چرا باید از نوشته های امروز اصلاح طلبان نگاهداری کرد؟	2018	58
باز کردن مقاله/منبع	دی ۱۳۹۶؛ اعتراض؛ تحلیل	اعتراضات، تحلیل سیاسی	مقاله	یک تأمل ناگزیر	2018	59
باز کردن مقاله/منبع	خشونت پرهیزی؛ مردم؛ ایران	خشونت پرهیزی، اعتراضات	مقاله	خشونت پرهیزان و مردم بی دفاع ایران	2018	60



باز کردن مقاله/منبع	دوشوکی؛ بلوچستان؛ نقد	اقوام، نقد، سکولار دموکراسی	مقاله/پاسخ	نه از ره کین؟	2017	61
باز کردن مقاله/منبع	اورشلیم؛ مکه؛ مسجد دو قبله	اسلام سیاسی، تاریخ دینی، خاورمیانه	مقاله	داستان اورشلیم و مکه و مسجد دو قبله	2017	62
باز کردن مقاله/منبع	ملی مذهبی؛ سکولاریسم؛ دموکراسی	سکولاریسم، ملی مذهبی ها	مصاحبه	ملی مذهبی ها و سکولاریسم	2017	63
باز کردن مقاله/منبع	آلترناتیو؛ social evolution؛ اپوزیسیون	آلترناتیو، تحول اجتماعی	مقاله نظری	در چند و چون عوامل پیدایش آلترناتیو	2017	64
باز کردن مقاله/منبع	نوری زاده؛ گفتگو؛ اپوزیسیون	اپوزیسیون، رسانه	مصاحبه	گفتگو با علیرضا نوری زاده	2017	65
باز کردن مقاله/منبع	نوری زاده؛ مجاهدین؛ پرسش	مجاهدین خلق، اپوزیسیون	مقاله/پرسش	پرسش هایی از آقای دکتر علیرضا نوری زاده	2017	66
باز کردن مقاله/منبع	بایکوت؛ ترس؛ انتخابات	انتخابات، بایکوت، رفتار سیاسی	مقاله	بایکوت کنندگان از دکمه های ترس نمی ترسند	2017	67
باز کردن مقاله/منبع	مفاهیم سیاسی؛ نواندیشی دینی؛ واژه خانه	واژه شناسی سیاسی، نواندیشی دینی	مصاحبه	از نو شدن مفاهیم سیاسی تا نواندیشی دینی	2017	68
باز کردن مقاله/منبع	جشن؛ نوروز؛ شکست و پیروزی	نوروز، فرهنگ، سیاست	مقاله	در شکست و پیروزی جشن	2017	69
باز کردن مقاله/منبع	کمونیست کارگری؛ حزب؛ سکولار دموکرات	همکاری اپوزیسیون، حزب	پیام	پیام به کنگره دهم حزب	2017	70



				کمونیسست کارگری ایران		
باز کردن مقاله/منبع	سکولاریسم نو؛ سکولار دموکراسی؛ جمعه گردی	سکولاریسم نو، سکولار دموکراسی، تحول فکری	جمعه گردی/جمع بندی نظری	ده سال جمعه گردی، از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی	2015	71
باز کردن مقاله/منبع	جمهوری؛ جمهوری خواهی؛ مشروطه	جمهوری، جمهوری خواهی	جمعه گردی	جمهوری یا جمهوری خواهی؟	2015	72
باز کردن مقاله/منبع	پادشاهی؛ استبداد؛ مشروطه	پادشاهی، مشروطه	جمعه گردی	پادشاه مستبد در برابر پادشاهی مشروطه	2015	73
باز کردن مقاله/منبع	اصلاح طلب؛ سکولار؛ رویا	اصلاح طلبی، سکولاریسم	جمعه گردی	رویای اصلاح طلبانه ایران سکولار	2015	74
باز کردن مقاله/منبع	پلورالیسم؛ سکولار دموکراسی؛ تکثر	پلورالیسم، سکولار دموکراسی	جمعه گردی	از پلورالیسم تا سکولار دموکراسی	2015	75
باز کردن مقاله/منبع	ایدئولوژی؛ سیاست؛ نقد	ایدئولوژی، سیاست، نقد فرهنگی	جمعه گردی	پیامبران سیاره جدید میمون‌ها	2015	76
باز کردن مقاله/منبع	انحلال طلبی؛ استراتژی؛ گذار	انحلال طلبی، آلترناتیو	جمعه گردی	یک استراتژی انحلال طلبانه	2015	77
باز کردن مقاله/منبع	حزب؛ سازماندهی؛ آینده	حزب، سازماندهی، آینده	جمعه گردی	حزبی اینجائی برای روزگار فردائی؟	2015	78



باز کردن مقاله/منبع	کنگره؛ نواندیش دینی؛ دموکراسی دینی	نواندیشی دینی، کنگره، سکولاریسم	جمعه گردی	کنگره سکولار دموکرات ها و غیبت نواندیشان دینی	2015	79
باز کردن مقاله/منبع	اسلامیسم؛ ترکیه؛ ایران	اسلام سیاسی، ترکیه، ایران	جمعه گردی	تفاوت های اسلامیسم در ترکیه و ایران	2015	80
باز کردن مقاله/منبع	آلترناتیو؛ اصلاح؛ گذار	آلترناتیو، اصلاح نظام	جمعه گردی	شروط و موانع آلترناتیوسازی	2015	81
باز کردن مقاله/منبع	سکولاریسم؛ موانع؛ ایران	سکولاریسم، ایران	جمعه گردی	شرایط موافق و ناموافق برای استقرار سکولاریسم در ایران	2015	82
باز کردن مقاله/منبع	داورپناه؛ میرزادگی؛ نقد	ادبیات، مجادله شخصی/سیاسی	مقاله/پاسخ	گامی چند در احوالات کاشف راز گل سرخ	2014	83
باز کردن مقاله/منبع	انتخاب؛ گذار؛ سیاست	انتخاب سیاسی، گذار	جمعه گردی	یک انتخاب ساده اما مهم	2014	84
باز کردن مقاله/منبع	علیرضا؛ نامه؛ آینده ایران	سکولار دموکراسی، اپوزیسیون	جمعه گردی	نامه به دو علیرضا	2014	85
باز کردن مقاله/منبع	مشروطه؛ واکنش؛ نقد	مشروطیت، نقد نظری	واکنش ها/پیرامتن	واکنش ها به نوشته نوری علا درباره مشروطیت	2014	86



باز کردن مقاله/منبع	انتخاب؛ انتخابات؛ حکومت مشروط	انتخابات، حکومت مشروط	جمعه گردی	معناهای دوگانه انتخاب	2014	87
باز کردن مقاله/منبع	مدرنیته؛ سنت؛ مذهب	مدرنیته، سنت، دین	جمعه گردی	مدرنیته، سنت و مذهب؟	2014	88
باز کردن مقاله/منبع	شیمی درمانی؛ رژیم اسلامی؛ استعاره	رژیم اسلامی، درمان/استعاره سیاسی	جمعه گردی	وقتی شیمی درمانی متوقف شود	2013	89
باز کردن مقاله/منبع	تولد؛ نوزایی؛ ماندگاری	تحول نظری، سکولار دموکراسی	جمعه گردی	سه یادداشت در تولد، نوزایی و ماندگاری	2013	90
باز کردن مقاله/منبع	پوتین؛ امپریالیسم؛ روسیه	روسیه، امپریالیسم، سیاست خارجی	جمعه گردی	امپریالیسم پوتین	2013	91
باز کردن مقاله/منبع	سکولاریسم نو؛ مبانی؛ نظریه	نظریه سکولاریسم نو	کتاب/جزوه PDF	مبانی سکولاریسم نو	2010	92
باز کردن مقاله/منبع	سکولاریسم نو؛ ایران؛ دولت سکولار	کاربرد سکولاریسم نو برای ایران	کتاب/جزوه PDF	سکولاریسم نو برای ایران	2010	93
باز کردن مقاله/منبع	Iranian.com؛ دموکراسی؛ انتخابات	دموکراسی، انتخابات، مقالات قدیمی	آرشیو بیرونی	آرشیو نوشته‌های قدیمی در Iranian.com	2007	94
باز کردن مقاله/منبع	جنوب لبنان؛ شیعه؛ ایران	لبنان، شیعه، جمهوری اسلامی	مقاله قدیمی/بازنشر	ارتباط تاریخی ایران با جنوب لبنان	2006	95
باز کردن مقاله/منبع	پویشگران؛ آثار؛ NoorialaWorks	آثار قدیمی، ادبیات، سیاست	آرشیو مادر	آرشیو پویشگران:		96



				مجموعه آثار نوری‌علا		
باز کردن مقاله/منبع	اوین؛ شعر؛ زندان	ادبیات، زندان، ایران	شعر قدیمی	شعر قدیمی با اوین	نامشخص	97

۴. فهرست جداگانه جمعه‌گردی‌های قابل بازیابی در این مرحله

این بخش فقط رکوردهای دارای عنوان جمعه‌گردی یا متعلق به دوره جمعه‌گردی‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس متن ۲۰۱۵، مجموعه کامل جمعه‌گردی‌ها بسیار بزرگ‌تر است و حدود پانصد مقاله را دربر می‌گیرد.

شماره	سال	عنوان	موضوع	لینک
1	2015	ده سال جمعه‌گردی، از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی	سکولاریسم نو، سکولار دموکراسی، تحول فکری	باز کردن جمعه‌گردی
2	2015	جمهوری یا جمهوری‌خواهی؟	جمهوری، جمهوری‌خواهی	باز کردن جمعه‌گردی
3	2015	پادشاه مستبد در برابر پادشاهی مشروطه	پادشاهی، مشروطه	باز کردن جمعه‌گردی
4	2015	روای اصلاح‌طلبانه ایران سکولار	اصلاح‌طلبی، سکولاریسم	باز کردن جمعه‌گردی
5	2015	از پلورالیسم تا سکولار دموکراسی	پلورالیسم، سکولار دموکراسی	باز کردن جمعه‌گردی
6	2015	پیامبران سیاره جدید میمونها	ایدئولوژی، سیاست، نقد فرهنگی	باز کردن جمعه‌گردی
7	2015	یک استراتژی انحلال‌طلبانه	انحلال‌طلبی، آلترناتیو	باز کردن جمعه‌گردی
8	2015	حزب اینجائی برای روزگار فردائی؟	حزب، سازماندهی، آینده	باز کردن جمعه‌گردی



باز کردن جمعه‌گردی	نواندیشی دینی، کنگره، سکولاریسم	کنگره سکولار دموکرات‌ها و غیبت نواندیشان دینی	2015	9
باز کردن جمعه‌گردی	اسلام سیاسی، ترکیه، ایران	تفاوت‌های اسلام‌یسم در ترکیه و ایران	2015	10
باز کردن جمعه‌گردی	آلترناتیو، اصلاح نظام	شروط و موانع آلترناتیوسازی	2015	11
باز کردن جمعه‌گردی	سکولاریسم، ایران	شرایط موافق و ناموافق برای استقرار سکولاریسم در ایران	2015	12
باز کردن جمعه‌گردی	انتخاب سیاسی، گذار	یک انتخاب ساده اما مهم	2014	13
باز کردن جمعه‌گردی	سکولار دموکراسی، اپوزیسیون	نامه به دو علی‌رضا	2014	14
باز کردن جمعه‌گردی	انتخابات، حکومت مشروط	معناهای دوگانه انتخاب	2014	15
باز کردن جمعه‌گردی	مدرنیته، سنت، دین	مدرنیته، سنت و مذهب؟	2014	16
باز کردن جمعه‌گردی	رژیم اسلامی، درمان/استعاره سیاسی	وقتی شیمی‌درمانی متوقف شود	2013	17
باز کردن جمعه‌گردی	تحول نظری، سکولار دموکراسی	سه یادداشت در تولد، نوزائی و ماندگاری	2013	18
باز کردن جمعه‌گردی	روسیه، امپریالیسم، سیاست خارجی	امپریالیسم پوتین	2013	19



۵. طبقه‌بندی موضوعی

سکولاریسم نو و سکولار دموکراسی

مبانی سکولاریسم نو؛ سکولاریسم نو برای ایران؛ ده سال جمع‌گرددی، از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی؛ از پلورالیسم تا سکولار دموکراسی؛ عرفی‌گرایی معادل سکولاریسم نیست؛ نگاهی سکولار دموکرات به ایران آینده

آلترناتیو سیاسی و رهبری

نگاه اسماعیل نوری‌علا به آلترناتیو و رهبری؛ در چند و چون عوامل پیدایش آلترناتیو؛ شروط و موانع آلترناتیوسازی؛ سکولار دموکرات‌ها و وکالت به شاهزاده؛ با شاهزاده‌ای که سلطنت طلب نیست؛ اتحاد برای چه و با که؟

جمهوری یا پادشاهی

مشروطیت، در قامت پادشاهی و جمهوری؛ جمهوری یا جمهوری خواهی؟؛ پادشاه مستبد در برابر پادشاهی مشروطه؛ مشروطه، دموکراسی خواهی و پهلویسم

ملت ایران، اقوام و تمامیت ارضی

چرا سکولار دموکراسی پادزهر تجزیه طلبی است؟؛ اتحاد برای تجزیه؟؛ پاسخ به دکتر دوشوکی؛ بدون قصد مچ‌گیری؛ وطن‌فروشان و ادعای وطن‌دوستی؛ چرا ایران‌گرایی ترکیب نارسائی است؟

نقد اسلام سیاسی و نواندیشی دینی

تفاوت‌های اسلام‌یسم در ترکیه و ایران؛ کنگره سکولار دموکرات‌ها و غیبت نواندیشان دینی؛ ملی‌مذهبی‌ها و سکولاریسم؛ سخنی علنی با آقای مهدی نصیری؛ داستان اورشلیم و مکه و مسجد دو قبله

اپوزیسیون، ائتلاف و سازماندهی

کمی به خود بنگریم؛ کنفرانس مونیخ و سرگذشت و سرنوشت ائتلاف مشتاقان؛ گزارش همایش مونیخ؛ پیام به گذار؛ گزارش دو سال فعالیت مهستان جنبش؛ حزبی اینجائی برای روزگار فردائی؟

۶. تحلیل محورهای فکری

سکولاریسم نو

در آثار نظری نوری‌علا، سکولاریسم صرفاً جدایی نهادی دین و دولت نیست؛ بلکه سازوکاری برای جلوگیری از تبدیل هر ایدئولوژی، دینی یا غیردینی، به منبع تبعیض حقوقی است. او در مسیر فکری خود از اصطلاح «سکولاریسم نو» به «سکولار دموکراسی» حرکت می‌کند تا بر پیوند میان بی‌طرفی دولت، حقوق بشر، تکثر اجتماعی، و دموکراسی تأکید کند.



آلترناتیو سیاسی

در نوشته‌های او، آلترناتیو سیاسی نه فقط مجموعه‌ای از افراد مخالف حکومت، بلکه سازوکاری دارای برنامه، رهبری، اعتبار اجتماعی، و توان عبور از رژیم اسلامی است. نوری‌علا از مفهوم آلترناتیو برای نقد اپوزیسیون پراکنده و دعوت به شکل‌گیری بدیل سیاسی سازمان‌یافته استفاده می‌کند.

جمهوری یا پادشاهی

نوری‌علا بحث جمهوری و پادشاهی را در بسیاری از نوشته‌های جدیدتر از سطح نام نظام سیاسی به سطح کیفیت قانون اساسی، مشروطیت، حاکمیت ملی، و دموکراسی منتقل می‌کند. در این چارچوب، او می‌کوشد میان سلطنت‌طلبی ایدئولوژیک و نقش سیاسی شاهزاده رضا پهلوی در دوران گذار تفاوت بگذارد.

ملت ایران و اقوام

در این محور، مفهوم کلیدی او این است که سکولار دموکراسی و تمرکززدایی می‌توانند همزمان هم تبعیض قومی و زبانی را کاهش دهند و هم تمامیت ارضی را تقویت کنند. او معمولاً تجزیه‌طلبی را محصول تبعیض، تمرکزگرایی استبدادی، و ایدئولوژیک شدن دولت می‌داند، نه نتیجه طبیعی تکثر قومی.

نقد اسلام سیاسی

نقد اسلام سیاسی نزد نوری‌علا از نقد حکومت مذهبی در ایران فراتر می‌رود و شامل نقد ایده «دموکراسی دینی»، نقد ملی‌مذهبی‌ها، نقد اصلاح‌طلبی دینی، و مقایسه تجربه اسلام‌میسیم در ایران، ترکیه و افغانستان می‌شود. در این چارچوب، مسئله اصلی او دخالت دین یا ایدئولوژی مذهبی در حقوق اساسی و ساخت قدرت است.

مفهوم دولت سکولار

دولت سکولار در نوشته‌های او دولتی است که در حوزه حقوق اساسی، قانونگذاری و مدیریت عمومی نسبت به عقاید دینی و غیردینی بی‌طرف است. این دولت نه ضد دین است و نه دینی؛ بلکه وظیفه‌اش تضمین آزادی وجدان، آزادی دین، آزادی بی‌دینی، و برابری شهروندان در برابر قانون است.

رابطه اپوزیسیون و رهبری

از حدود ۲۰۱۷ به بعد، موضوع رهبری و آلترناتیوسازی برجسته‌تر می‌شود. نوری‌علا به مسئله پراکندگی اپوزیسیون، ضعف سازماندهی، نقش مهستان، حزب، ائتلاف، و جایگاه رضا پهلوی در گذار می‌پردازد و از ادبیات نظری سکولار دموکراسی به ادبیات عملی‌تر کنش سیاسی حرکت می‌کند.



۷. سیر تحول فکری از دهه ۱۳۵۰ تا امروز

دهه ۱۳۵۰

دوره ادبی، فرهنگی و روشنفکری؛ نوری‌علا در این دوره بیشتر با شعر، نقد ادبی، ترجمه، و فعالیت فرهنگی شناخته می‌شود. برای تکمیل این دوره باید به آرشیو پویشگران و منابع ادبی مراجعه شود.

دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰

دوره مهاجرت، نقد جمهوری اسلامی، و تداوم فعالیت فرهنگی و سیاسی. در این دوره، پیوند میان نقد فرهنگی و نقد قدرت دینی شکل روشن‌تری می‌گیرد.

دهه ۱۳۸۰

دوره صورت‌بندی سکولاریسم نو و آغاز جمعه‌گردی‌ها. نوشتارهای هفتگی به تدریج به دستگاه مفهومی سکولاریسم نو، نقد ایدئولوژی، و نقد حکومت مذهبی تبدیل می‌شوند.

دهه ۱۳۹۰

دوره عبور از سکولاریسم نو به سکولار دموکراسی و سپس ورود جدی به بحث آلترناتیوسازی، حزب، مهستان، و رهبری گذار. مقاله ۲۰۱۵ درباره ده سال جمعه‌گردی نقطه جمع‌بندی مهم این دوره است.

دهه ۱۴۰۰

دوره تمرکز بر بحران مشروعیت جمهوری اسلامی، نقش شاهزاده رضا پهلوی، بحث منشور و وکالت، کنفرانس‌های سیاسی، و ضرورت همکاری ملی برای گذار. در این دوره، زبان نوری‌علا بیش از گذشته عملیاتی، راهبردی و ناظر به صحنه اپوزیسیون می‌شود.

۸. کتاب‌شناسی علمی و منابع پایه

1. نوری‌علا، اسماعیل. مبانی سکولاریسم نو. PDF رسمی، پایگاه جنبش سکولار دموکراسی ایران. [باز کردن منبع](#)

2. نوری‌علا، اسماعیل. سکولاریسم نو برای ایران. PDF رسمی، پایگاه جنبش سکولار دموکراسی ایران. [باز کردن منبع](#)

3. نوری‌علا، اسماعیل. ده سال جمعه‌گردی، از سکولاریسم نو تا سکولار دموکراسی. ۲۰۱۵. [باز کردن منبع](#)

4. پایگاه جنبش سکولار دموکراسی ایران. آرشیو یادداشت‌ها و ویدئوهای اسماعیل نوری‌علا. [باز کردن منبع](#)

5. پویشگران. مجموعه آثار نوری‌علا. [باز کردن منبع](#)

6. آرشیو Iranian.com برای نوشته‌های قدیمی‌تر. [باز کردن منبع](#)



۹. کارهای لازم برای نسخه نهایی کامل

- استخراج ماشینی کامل صفحه آرشیو سالانه نوری علا و تبدیل آن به جدول پایگاه داده.
- بازسازی فهرست کامل حدود پانصد جمعه گردی از آرشیو قدیمی Puyeshgaraan و New Secularism.

جناب آقای دکتر اسماعیل نوری علا گرامی

درود،

پیش از هر چیز از لطف و بزرگواری شما در ارسال فهرست موضوعات مورد مطالعه و همچنین راهنمایی‌هایی که درباره مجموعه آثار و «جمعه گردی‌ها» ارائه فرمودید صمیمانه سپاسگزارم.

پس از دریافت یادداشت‌ها و فهرست موضوعات پیشنهادی شما، مطالعه نسبتاً گسترده‌ای بر روی آثار منتشرشده شما، مقالات موجود در وبسایت جنبش سکولار دموکراسی، مجموعه جمعه گردی‌ها و سایر نوشته‌های منتشرشده به نام شما انجام شد. حاصل این بررسی‌ها به صورت یک طرح اولیه برای کتابی با عنوان موقت:

«ایران در جستجوی آزادی؛ چهارده قرن تلاش برای دستیابی به حکومت سکولار دموکرات»

تنظیم گردیده است.

در این مرحله تلاش شده است که به جای تمرکز صرف بر رویدادهای سیاسی، سیر تاریخی اندیشه‌ها و تحولاتی بررسی شود که در نهایت به شکل‌گیری مفهوم سکولار دموکراسی در ایران منتهی شده‌اند. بر این اساس، روایت کتاب از سقوط ساسانیان آغاز شده و تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه می‌یابد.

در نسخه فعلی، اقدامات زیر انجام شده است:

۱. تدوین عنوان و چارچوب اولیه کتاب.

۲. تهیه مقدمه پژوهشی درباره نسبت تاریخ ایران با مفاهیم آزادی، قانون‌گرایی و سکولار دموکراسی.

۳. نگارش بخشی مستقل درباره مبانی نظری سکولار دموکراسی در اندیشه جنابعالی.

۴. طراحی ساختار شصت فصل تاریخی از سقوط ساسانیان تا انقلاب ۱۳۵۷.

۵. تهیه طرح تفصیلی و معرفی اولیه همه فصل‌ها.

۶. تلاش برای پیوند دادن تحولات تاریخی ایران با روند شکل‌گیری اندیشه آزادی‌خواهی، حکومت قانون و سکولار دموکراسی.

البته این نسخه را صرفاً یک پیش‌نویس مقدماتی می‌دانم و معتقدم مرحله اصلی کار هنوز آغاز نشده است؛ یعنی توسعه هر فصل بر اساس منابع تاریخی، اسناد، تحقیقات دانشگاهی و به ویژه آثار و دیدگاه‌های خود جنابعالی.

در ادامه کار مایلم نظر شما را درباره چند موضوع اساسی بدانم:



نخست آنکه آیا کتاب باید عمدتاً یک اثر تاریخی باشد که ریشه‌های سکولار دموکراسی را در تاریخ ایران جستجو می‌کند؟
دوم آنکه آیا مناسب می‌دانید بخش مهمی از کتاب به تحلیل نظری مفاهیمی مانند «سکولاریسم نو»، «گذار»، «آلترناتیو سکولار دموکرات» و سایر مباحث فکری مطرح شده در آثار شما اختصاص یابد؟
سوم آنکه چه شخصیت‌ها، دوره‌های تاریخی یا رویدادهایی از دیدگاه شما نیازمند توجه بیشتر هستند و در نسخه فعلی کمتر از حد لازم مورد بررسی قرار گرفته‌اند؟

پیشنهاد من برای مراحل بعدی پروژه به شرح زیر است:

۱. بازنگری و تثبیت ساختار نهایی فصل‌ها با راهنمایی و تأیید جنابعالی.

۲. تعیین منابع اصلی و مراجع معتبر برای هر فصل.

۳. مشخص کردن مقالات، جمعه‌گردی‌ها و سایر نوشته‌های مرتبط شما که می‌توانند به عنوان منابع مستقیم هر فصل مورد استفاده قرار گیرند.

۴. آغاز نگارش تفصیلی فصل‌ها بر پایه ساختار نهایی مورد توافق.

با سپاس و احترام فراوان

مرتضی انواری

